

تظاهرات کارگران پالایشگاه تهران

در تظاهرات تهران ۳۰۰ تن از کارگران دستگیر شدند

کارگران خواستار پذیرش و اجرای پیمان دسته‌جمعی هستند

ناآرامی و تشنج در پالایشگاه‌ها ادامه دارد

مبارزات کارگران صنعت نفت کشور علیه سیاست‌های ضدکارگری جمهوری اسلامی در دو هفته گذشته با تظاهرات کارگران پالایشگاه‌های نفت تهران و شیراز اوج تازه‌ای گرفت. روز یکشنبه ۲۸ بهمن، هزاران تن از کارگران و کارکنان پالایشگاه نفت تهران برای پیگیری خواسته‌های خود برابر ساختمان مرکزی وزارت نفت در خیابان طالقانی (تخت جمشید) اجتماع کردند و با شعار «ما حق مان را می‌خواهیم» به تظاهرات پرداختند. در گزارش‌ها شمار کارگرانی که برابر وزارت نفت اجتماع کرده بودند ۲ هزار نفر ذکر شده و در برخی از خبرها آمده است که بسیاری از رهگذران و دانشجویان آموزشگاه‌های مجاور در حمایت از کارگران به صفوف تظاهرکنندگان پیوسته بودند. رژیم که از وقوع اعتصاب در پالایشگاه نفت تهران و گردهم‌آیی اعتراضی کارگران برابر ساختمان وزارت نفت آگاه بود و مسی‌دانست که پس از شکست گفتگوهای روز چهارشنبه، کارگران با نیروی بیشتری وارد کارزار خواهند شد، پاسداران و یگانهای ویژه ضد

شورش را به محل تظاهرات فرستاده و به مأموران امنیتی و انتظامی دستور داده بود خیابانهای اطراف وزارت نفت را قرق کنند و حرکت اعتراضی کارگران را پیش از آن که گسترش یابد، سرکوب سازند. علیرغم تهدید و جو ارعابی که رژیم ایجاد کرده بود، کارگران روز یکشنبه ساعت ۸ صبح بدون اعتنا به سلاح‌های پاسداران، برابر ساختمان مرکزی وزارت نفت اجتماع کردند و خواستار گفتگوی دسته‌جمعی با وزیر نفت شدند. آقا زاده وزیر نفت به جای رسیدگی به خواسته‌های کارگران، ارگان‌های سرکوب را به مقابله با آنان فراخواند. پاسداران مسلح و مأموران امنیتی به اجتماع مسالمت‌آمیز و آرام کارگران یورش بردند. آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند، شماری را مجروح و زخمی کردند. مقامات وزارت کار و نفت تاکنون چندین بار و هر بار به دنبال حرکت اعتراضی کارگران، به آنان وعده داده بودند که به خواسته‌هایشان رسیدگی کنند، اما هر بار با فرو نشستن خشم اعتراضی کارگران، وعده‌هایشان را به فراموشی سپرده و راه ارعاب و سرکوب پیش

گرفته‌اند. در مرداد ماه مسئولان خانه کارگر، و آقا زاده وزیر نفت به دنبال حرکت اعتراضی کارگران پالایشگاه نفت تهران و اجتماع چهارصدتن از کارگران در برابر ساختمان وزارت نفت، به آنان قول دادند که مطالباتشان را پی‌گیری کنند. به جای تأمین خواسته‌های کارگران، مأموران امنیتی رژیم و عناصر نفوذی در پالایشگاه‌ها سعی کردند برای جلوگیری از حرکت‌های آتی کارگران و جلوگیری از تشنج در پالایشگاه‌های تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، آبادان و... شناسایی و به عنوان محرکین دستگیر کنند. در همان زمان روزنامه «کار و کارگر» ارگان شوراهای اسلامی که تلاش می‌کند چهره‌ای مستقل از سیاست‌های دولت نشان دهد، نوشت: «عده‌ای به گونه‌ای سازمان یافته با ایجاد جو در ابراز خواسته‌ها از سوی کارگران انحراف ایجاد می‌کردند که مسئولین ذی‌ربط افراد مذکور را شناسایی نمودند. رژیم به خواسته‌های کارگران باعث شد چهار بقیه در صفحه ۲

منتشور همکاری

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سازمان جمهوری خواهان ملی ایران

حزب دموکراتیک مردم ایران

در صفحه ۷

تظاهرات ایرانیان در شهر بن در حمایت از آزادی سرکوهی

در صفحه ۲

جشن مرکزی
سازمان فدائیان
خلق ایران
(اکثریت)
دربزرگ داشت
روز ۱۹ بهمن
در صفحه ۸



اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در باره تظاهرات کارگران پالایشگاه نفت تهران

در صفحه ۲

دشواری‌های بی‌سابقه رژیم در پی انتشار نامه تکان دهنده سرکوهی

● هزاران ایرانی با برپایی اجتماعات اعتراضی خواستار آزادی فرج سرکوهی شدند.

● دولت‌های آلمان، آمریکا و گروه دیگری از کشورهای غربی به بازداشت نویسنده ایرانی اعتراض کردند

وظیفه ما

اعتصاب چند ماهه در صنعت نفت و نقطه برجسته آن یعنی تظاهرات چند هزار نفری کارگران نفت، خبر از حدت مبارزه‌ای می‌دهد که در عمق جامعه مادر جریان است. این مبارزه هر چند بازتابی هم چون جنبش روشنفکرانه‌ای که با خواست آزادی‌های سیاسی رژیم را مورد تعرض قرار داده است ندارد، اما جنبشی بسیار گسترده است که خواست فعلی آن، مطالبات اقتصادی برای نجات از تنگنای هولناک فقر و سقوط دایمی سطح زندگی است.

رژیم جمهوری اسلامی در برابر هر دوی این جنبش‌ها، روش واحدی دارد و با هر دو به یک سان به خشنونت رفتار می‌کند. اگر فرج سرکوهی به دلیل مطالبه آزادی دستگیر و روانه شکنجه‌گاه می‌شود، صدها کارگر نفت به خاطر آن که دستمزد بیشتری را طلب کرده‌اند مورد هجوم مأموران امنیتی قرار می‌گیرند و روانه زندان می‌شوند. و همین واقعیت کافی است تا بگوییم چه جنبش روشنفکری آزادی‌خواهانه و چه جنبش توده‌های خواستار حقوق و مطالبات اقتصادی و اجتماعی با یک مانع، یعنی حکومت استبدادی جمهوری اسلامی روبرو و مواجه هستند.

اما آیا این دو جنبش در یافته‌اند که سرنوشت آن‌ها عمیقاً به یکدیگر وابسته است؟ وجود دیکتاتوری سیمناک در ایران که هر خواسته‌ای را با خشنونت و سرکوب پاسخ می‌دهد، زمینه عینی نزدیکی جنبش روشنفکری را با جنبش مطالباتی طبقه کارگر و توده مردم فراهم می‌آورد. این زمینه عینی هر چند هم‌دردی این دو جنبش نسبت به یکدیگر را برمی‌انگیزد، اما به تنهایی برای پیوند آنان کافی نیست و موضوع این است که بدون این پیوند، نه دموکراسی و نه عدالت‌جویی در ایران به نتیجه مطلوبی نمی‌رسند.

درک این واقعیت برای جنبش روشنفکری ایران اهمیت عظیمی دارد که بدون طبقه کارگر و نیروهای گسترده زحمتکش، جنبش آزادی در ایران نمی‌تواند به پیروزی بادوامی برسد. باید با این فکر که به ویژه در سال‌های اخیر در میان روشنفکران ایران ریشه دوانیده است مقابله کرد که توده‌های مردم تنها در بند نان و آب خویش هستند و مبارزه برای دموکراسی کار و دلمشغولی روشنفکران است. اگر نیز در واقع جنبش کارگران و زحمتکش‌ها و جنبش روشنفکران ایران در سال‌های اخیر مسیری جدا از هم پیموده‌اند، جدا از وجود استبداد حاکم بر کشور که پیوند بین واحدهای مختلف جنبش در ایران را دشوار ساخته است، این جدایی تا حدودی نیز تحت تاثیر این فکر بوده است. وظیفه پیشروان مبارزه دموکراسی در ایران این است که چنان برای دموکراسی مبارزه کنند و مهم‌تر از آن دموکراسی را چنان بفهمند، که با مطالبات گسترده اقتصادی و اجتماعی کارگران و سایر اقشار مردم، پیوند یابد. جنبش روشنفکری باید نشان دهد که دموکراسی مورد نظر آن، خواسته‌ها و مطالبات توده مردم را در نظر دارد و به آن پاسخ می‌دهد. این دموکراسی فقط حق توده‌های مردم برای داشتن احزاب و مطبوعات نیست، حق مردم برای داشتن کار، برای داشتن بقیه در صفحه ۳

واکنش‌های اعتراضی بی‌سابقه‌ای

که نسبت به دستگیری فرج سرکوهی، در سراسر جهان برخاسته است. موضوع بازداشت سرکوهی، اکنون به یک مسأله جهانی تبدیل گردیده است. این واکنش‌ها سران حکومت اسلامی را

رضا براهنی: ما نباید

به این سادگی کشورمان را ترک کنیم

اهل قلم و هنر ایران هم‌چنان آماج تهاجم رژیم اسلامی قرار دارند و فشار از سوی سازمان‌های امنیتی علیه آنان مرتباً در حال افزایش است. رژیم اسلامی با یورش به نویسندگان و هنرمندان می‌خواهد آنان را به سمتی سوق دهد که بین سکوت و خانه‌نشینی و یا ترک وطن یکی را به جان بخرند و در غیر اینصورت سرنوشت سعیدی سیرجانی و فرج سرکوهی در انتظار آنان خواهد بود.

هفته گذشته بخش فارسی رادیو بی.بی.سی در مورد شرایط زندگی نویسندگان ایران، گفتگویی با دکتر رضا براهنی با عنوان «مشکل ترک وطن از سوی دگراندیشان» انجام داد. مجری برنامه بخش فارسی بی.بی.سی از رضا براهنی، شاعر، نویسنده و منتقد ادبی ایران پرسید: شرایط در ایران به ظاهری خواهند نشان دهند بیدی نیستند که به این بادها بلرزند، آشکارا در تنگنا قرار داده است. تشریح کیهان‌هویی سخنگوی غیر رسمی وزارت اطلاعات در خارج از کشور، در یادداشت هفته گذشته خود، دست‌پاچی رژیم در برابر اعتراضات پیش بینی نشده را، چنین بازتاب داد: «ماجرایی که در ابتدا به نظر می‌رسید ساده باشد، با مرور زمان می‌رود تا پیچیدگی‌های خاصی به خود بگیرد»!

نهضت آزادی

درانتخابات

ریاست جمهوری

شرکت می‌کند

دکتر یدالله سبحانی از موسسین نهضت آزادی و از شخصیت‌های قدیمی و شناخته شده ملی-مذهبی کشور با صدور اعلامیه‌ای از مقامات جمهوری اسلامی خواست که در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری، انحصار طلبی و مخالفت با حضور «رجال ملی و آزادیخواه و علاقه‌مند به ایران و اسلام» را کنار بگذارند و به آنان اجازه دهند که در این انتخابات شرکت کنند.

یدالله سبحانی در این اعلامیه با اشاره به حضور طولانی و چندین دهه

بقیه در صفحه ۲

در این شماره

● گامی مهم در راستای تشکیل آلترناتیو دموکراتیک
صفحه ۷

● غوغاگری در تاریخ حشمت رئیسی
صفحه ۹

● فشار به جای گفتگو
پروفسور گرنوت روتر
صفحه ۱۱

● حق قدر نمدان ادوارد سعید
صفحه ۱۲

تظاهرات کارگران پالایشگاه تهران

بقیه از صفحه اول
ماه بعد کارگران پالایشگاه‌های تهران، تبریز، شیراز و اصفهان، همزمان به حرکت اعتراضی دیگری دست بزنند. آنان روزهای ۲۸ و ۲۹ آذر ماه به عنوان هشدار و اتمام حجت، دست از کار کشیدند و به دولت اخطار کردند، در صورتی که خواسته‌هایشان برآورده نشود و هم‌چنان با پذیرش و اجرای پیمان دسته‌جمعی مخالفت شود، به اعتصاب سراسری دست خواهند زد. اما باز هم رژیم تلاش کرد با دادن قول مساعد و گرفتن مهلت یک‌ماهه برای اجرای وعده‌های خود، از ادامه تظاهرات جلوگیری کند و کارگران را به پالایشگاه‌ها بازگرداند. در پی اعتصاب روزهای ۲۸ و ۲۹ آذر، شماری از کارگرانی که در تدارک سازماندهی مبارزه و شکل‌گیری کارگران صنایع نفت بودند، دستگیر شدند. تظاهرات روز یکشنبه ۲۸ بهمن در اعتراض به عدم موافقت وزارت

کار و وزارت نفت با خواسته‌های عادلانه و صنفی کارگران صورت گرفت. کارگران پالایشگاه نفت تهران و سایر پالایشگاه‌های کشور خواستار اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، بهبود شرایط کار و وضعیت خدمات درمانی، پرداخت وام مسکن، افزایش متناسب دستمزدها، جیره خواربار ماهیانه، پذیرش و اجرای پیمان دسته‌جمعی کار در صنعت نفت هستند. آخرین پیمان دسته‌جمعی کار، ۲۰ سال پیش میان نمایندگان کارگران و وزارتخانه‌های نفت و کار امضا شد، قرار بود هر دو سال یکبار انعقاد پیمان دسته‌جمعی تهدید شود. اما از سال ۵۷ تاکنون جمهوری اسلامی به پیمان‌های مختلف از پذیرش امضای قرارداد دسته‌جمعی با کارگران سرباز زده است. علاوه بر علل اقتصادی، دلیل عمده عدم پذیرش و اجرای پیمان دسته‌جمعی میان نمایندگان کارگران و کسار فرمانیان، مخالفت رژیم با شکل‌گیری تشکیلات مستقل کارگری

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره تظاهرات کارگران پالایشگاه نفت تهران

کارگران برابر ساختمان وزارت نفت تلاش کردند چنین القا کنند که اتفاق مهمی رخ نداده است. در اخبار روزنامه دولتی به شمار تظاهرکنندگان، خواسته‌های آنان هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده: «صبح روز یکشنبه جمعی از کارگران تاسیسات نفت تهران در محل ساختمان مرکزی وزارت نفت گرد آمدند تا از نتایج اقدام‌های انجام‌شده در زمینه مسایل معیشتی خود کسب اطلاع کنند. در این تجمع کارگران خواسته‌های خود را مطرح کردند و مسئولان وزارت نفت نیز اقدام‌های انجام‌شده را تشریح کردند. کارگران پس از استماع چگونگی اقدام‌های رفاهی انجام‌شده محل را ترک کردند و به سر کار خود بازگشتند». روزنامه سلام در گزارش خود تایید کرد که ماموران امنیتی خیابان طالقانی را بسته بودند و به هیچ یک از خبرنگاران اجازه ندادند به محل برگزاری تظاهرات نزدیک شوند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۸ بهمن ۱۳۷۵

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کارگران زندانی باید آزاد گردند

بر اساس خبرهای رسیده، به دنبال گردیده‌ای ۲۰۰۰ نفر از کارگران و کارمندان پالایشگاه نفت تهران در برابر وزارت نفت رژیم جمهوری اسلامی به‌منظور ارائه خواسته‌هایشان که در ۴ روز پیش صورت گرفت، کارگران پالایشگاه نفت شیراز نیز روز سه‌شنبه این هفته برای رسیدن به خواسته‌هایشان به حرکات اعتراضی دست زدند.

گزارش‌های دیگری نیز حاکی است که رژیم با هدف مقابله با گسترش دامنه این اعتراضات در سطح کشور از ۴ روز پیش به دستگیری تعدادی از کارگران فعال در صنایع نفت آبادان، اصفهان، تبریز، تهران و شیراز اقدام کرده است. شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بدین وسیله بار دیگر انزجار خود را از اعمال ضدکارگری و سرکوبگرانه حکومت جمهوری اسلامی اعلام می‌کند و ضمن پشتیبانی از خواسته‌های برحق کارگران و دیگر کارکنان صنایع نفت کشور، از کلیه کارگران کشور می‌خواهد که به حمایت از همکاران معترض خود برخیزند.

ما هم‌چنین از احزاب و سازمان‌های آزادی‌خواه و مترقی کشور می‌خواهیم که فعالیت خود را برای آزادی فوری بازداشت‌شدگان و جلب حمایت نهادها و مجامع بشردوستان بین‌المللی هماهنگ سازند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۳ اسفند ۱۳۷۵

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در محکومیت ممنوع‌الخروج شدن دکتر حبیب‌الله پیمان

جمهوری اسلامی در ادامه سرکوب و اعمال فشار علیه روشنفکران و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی کشور امروز ۲۵ بهمن (۱۳ فوریه)، دکتر حبیب‌الله پیمان را ممنوع‌الخروج کرده و مانع از سفر وی به خارج از کشور شده است. این رژیم با ممانعت از سفر دکتر پیمان برگ دیگری از سیاست ارباب و فشار بر منتقدان سیاست‌های خود را به نمایش گذاشته و ستیز و دشمنی با آزادیخواهان و دگراندیشان را عیان‌تر کرده است.

تهدید و بازداشت نویسندگان فعال در امر احیای کانون نویسندگان، دستگیری و آزار و شکنجه فرج سرکوبی، ممنوع‌الخروج کردن هوشنگ گلشیری، ... تنها چند نمونه از این سیاست در روزهای اخیر، و با فشاری بر اجرای فتوای ضدانسانی قتل سلمان رشدی و افزودن جایزه اجرای آن، مکمل این سیاست است. ما ضمن اعتراض مجدد به اعمال فشار و ارباب علیه روشنفکران و دگراندیشان کشور، ممنوع‌الخروج کردن دکتر پیمان را محکوم می‌کنیم و با اعلام انزجار از فتوای قتل سلمان رشدی خواهان تشدید فشارها علیه رژیم و واداشتن آن به رفع فشار و سرکوب علیه دگراندیشان کشور و لغو فتوای قتل سلمان رشدی هستیم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۵ بهمن ۱۳۷۵

فرهاد فرجاد نماینده حزب دمکراتیک مردم ایران از سیاست «گفتگوی انتقادی» دولت آلمان انتقاد کرد و گفت دولت آلمان با وجود افت و خیز در مناسبات دو کشور، هم‌چنان همکاری‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی با رژیم اسلامی را پیش می‌برد.

تظاهرکنندگان دستگیری فرج سرکوبی، اختناق فزاینده سیاسی و فرهنگی و توسل رژیم به استمرار سیاست سرکوب را محکوم کردند. در قطعنامه پایانی تظاهرات از همه دولت‌ها، مجامع بین‌المللی،

نهضت آزادی در انتخابات

ریاست جمهوری شرکت می‌کند

خواسته است از بین خود یک نفر را برای کسب رای به مردم معرفی کند. سحابی در مورد اسامی کاندیدها و علت انتخاب آنان نوشته است:

«در یک سال اخیر افرادی از طبقات و گروه‌های مختلف که پای بند و مشتاق سربندی وطن و دین هستند به اینجانب مراجعه داشتند و شخصیت‌هایی را برای احراز مقام ریاست جمهوری توصیه و از اینجانب می‌خواستند افراد صالح و شایسته‌ای را معرفی کنم، بعضی از رجال ملی با وجود شایستگی‌های لازم خود داوطلب ورود در این صحنه نبودند. اینجانب تمایل عمومی از بین کسانی که بیشتر طرف توجه بودند آقای مهندس علی اکبر مین فر، دکتر ابراهیم یزدی و مهندس عزت‌الله سحابی را که به سوابق مبارزاتی و صداقت و شایستگی‌های آنها آشنا هستم معرفی و از این فرزندان عزیز می‌خواهم که در شرایط حساس کنونی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری ثبت نام نمایند و سپس از بین خود یک نفر را برای کسب رای به مردم معرفی کنند.»

افراد که سحابی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری معرفی کرده است، در نخستین سالهای انقلاب اعضای کابینه دولت موقت به رهبری مهندس مهدی بازرگان بودند.

تظاهرات ایرانیان در شهر بن

در حمایت از آزادی سرکوبی

در جریان تظاهرات نمایندگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، جمهوریخواهان ملی ایران و حزب دمکراتیک مردم ایران سخنرانی کردند. علی پورنقوی نماینده فدائیان (اکثریت) گفت: ما جمع شده‌ایم تا علیه سرکوب روشنفکران و آزاداندیشان در ایران اعتراض کنیم. ما جمع شده‌ایم علیه توطئه‌های جمهوری اسلامی برای تخریب روند دادگاه میکونوس اعتراض کنیم. امروز در ایران روشنفکران در برابر خشن‌ترین فشارهای جسمانی و روانی قرار دارند و کوچکترین مقاومت آنان، بزرگترین قهرمانی است.

مهران براتی نماینده جمهوریخواهان ملی با اشاره به جو اختناق در ایران، گفت سرکوبی به گروگان گرفته شده است و در این ارتباط مسئولیت بزرگی متوجه دولت آلمان و صدراعظم آن است. ما انتظار داریم که دولت آلمان برای آزادی سرکوبی به اقدام فوری دست بزند.

بقیه از صفحه اول
خود در صحنه تحولات سیاسی ایران و نقش میلیون در جریان ملی شدن صنعت نفت، مبارزه با استعمار و پیروزی انقلاب بهمن نوشت: در این روزها، بزرگداشت سالانه انقلاب شوکه‌مند ملت، در حالی جشن گرفته می‌شود که آرمانهای اصلی و مقدس انقلاب به باد فراموشی سپرده شده و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در شرایطی مطرح می‌گردد که حقوق اساسی مردم ایران نادیده گرفته شده است، روند عملی که در تثبیت حکومت انحصاری ملاحظه می‌شود نه در قانون اساسی پیش‌بینی شده و نه با هیچ منطقی سازگار است. برخلاف قانون اساسی و آزادی که ادعا می‌شود، باز در صدد هستند که دو مقام ریاست مجلس نمایندگان ملت و ریاست جمهوری در اختیار طبقه خاص باشد.

سحابی در اعلامیه خود تاکید کرده است که عدم شرکت در انتخابات ریاست جمهوری «اعتراض از حقوقی است که قانون اساسی برای ملت مقرر داشته است».

دکتر سحابی در این اعلامیه سه نفر از اعضای کمیته مرکزی نهضت آزادی را عنوان کاندیدای ریاست جمهوری معرفی کرده و از این سه تن

در حمله به خانه فرهنگی

جمهوری اسلامی در پاکستان

۸ نفر کشته شدند

یک مراسم مذهبی در محل ساختمان فرهنگی موافقت کند. در تهاجم مسلحانه روز پنجشنبه رحیمی نیز کشته شد.

جنازه محمد علی رحیمی روز جمعه با یک فرزند هوایی نظامی پاکستان به تهران انتقال یافت. در مراسم تشییع جنازه مقتولان تظاهرات خشونت‌باری روی داد و پلیس با شلیک گلوله و مجروح کردن عده‌ای از تظاهرکنندگان به بلوای مذهبی شهر مولتان پایان داد. در چهار هفته گذشته این دومین خانه فرهنگی جمهوری اسلامی در پاکستان است که مورد حمله مسلحانه قرار می‌گیرد. چهار هفته پیش خانه فرهنگی ایران در لاهور به آتش کشیده شد. برخی از نیروهای سیاسی پاکستان معتقدند که جمهوری اسلامی با مداخله در امور داخلی پاکستان به آتش نفاق مذهبی میان شیعیان این کشور دامن می‌زند. نواز شریف در پیام خود به رهبران جمهوری، دولت بی‌نظیر پوتو را عامل تنش میان تهران و اسلام‌آباد و درگیری‌های مذهبی خواند.

شجریان هم

«سابقه‌دار» شد!

محمد رضا شجریان، استاد بلندآوازه موسیقی سنتی ایران در اواسط بهمن در نامه‌ای به لاریجانی، رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی و ضمیمه کیفیت موسیقی که از این رسانه‌ها پخش می‌شود را به باد انتقاد گرفت و از جمله نوشت:

«در حال حاضر، در این رسانه انواعی از موسیقی پخش می‌شود که فاقد کمترین ارزش هنری است. درک و شعور موسیقی در این دستگاه عریض و طویل تا بدان مایه نازل و اندک می‌شود که مبتذل‌ترین قطعات موسیقی (موسیقی کافه‌های لاله‌زاری) را به عنوان آرم برنامه پخش می‌کنند.» وی سپس به تجاوز به حقوق هنرمندان و دست‌اندازی و تملک در آثار آنها در سازمان صدا و سیما اشاره کرده و عدم تمایل جدی خویش به پخش صدای خود را از این رسانه‌ها را اعلام کرد.

در پی چاپ نامه‌ای اعتراضی

دشواری‌های بی‌سابقه رژیم

در پی انتشار نامه تکان‌دهنده سرکوهی

● نامه افشاگرانه پروین اردلان

بقیه از صفحه اول

سیاسی و دموکراتیک، هنرمندان و نویسندگان مقیم خارج از کشور و همه کسانی که امکان بیان آزادانه نظر خویش را داشته‌اند، یک صدا حکومت را محکوم کرده‌اند. خواست همه این اجتماعات واحد بوده است: فرج سرکوهی باید آزاد شود و حق خروج از کشور به او داده شود.

اگر این اعداد درست است که سرکوهی ۵۰ روز در آلمان بوده است، چرا دوباره و به طریق غیر قانونی در صد خروج از کشور برآمده است؟

حقایق تازه

بنا به گفته خانم فریده زبردی، فرج سرکوهی برای نخستین بار با خانواده خود در لندن تماس تلفنی گرفته است. خانم زبردی تأیید کرده که این تماس تحت کنترل مأموران امنیتی رژیم و از داخل زندان صورت گرفته و سرکوهی به هنگام گفتگو با فرزندان خویش به تلخی گریسته است.

به گفته وی وزارت اطلاعات رژیم از مدت‌ها قبل به تهدید آشکار فرج سرکوهی مشغول بوده است و این تهدیدات ربطی به اتهاماتی که بعداً به او وارد آورده‌اند، نداشته است. خانم سرکوهی از قول غفار حسینی، نویسنده‌ای که چندی پیش به طور سرموزی درگذشت، گفت که وی مدت‌ها پیش در دیداری با فرج گفته بوده است کسانی که خود را معلمان اخلاق همه دنیا می‌شناسند.

یک‌نامه‌تکان‌دهنده دیگر

هفته گذشته متن نامده‌ای از خانم پروین اردلان که گفته می‌شد او نیز دستگیر شده است و اکنون نزدیکان او می‌گویند که مخفی شده است، انتشار یافت. خانم پروین اردلان که همکار فرج سرکوهی در ماهنامه آدینه و دوست خانوادگی او بوده است، در این نامه آن چه را که فرج سرکوهی در نامه خود شرح داده است، مورد تأیید قرار داده است. سرکوهی در نامه خود گفته بود که وزارت اطلاعات رژیم او و پروین اردلان را مجبور کرده بود تا بایک دیگر ازدواج کنند و روابط ساختگی بین آن دو را به عنوان سلاخی تهدید کنند. در گرفتن اعتراف از سرکوهی مورد استفاده قرار داده بود. پروین اردلان در این نامه گفته است

گزارش برخی از تظاهراتی که در سه هفته گذشته به حمایت از سرکوهی برپا شده است، جداگانه در این شماره «کار» به چاپ رسیده است.

انتشار نامه تکان‌دهنده فرج سرکوهی، اعتراضات گسترده و بازتاب وسیع آنان در مطبوعات و افکار عمومی کشورهای غربی و هدف افشا شده رژیم که قصد دارد سرکوهی را به جاسوسی برای دولت آلمان متهم سازد، گوهی از دولت‌های غربی را نیز به اعتراض علیه بازداشت سرکوهی برانگیخته است. دولت آلمان رسماً اعلام کرده است که چگونگی روابط آینده این دولت با حکومت جمهوری اسلامی با موضوع فرج سرکوهی گره خورده است. علیرغم اعتراض شدید مقامات حکومت اسلامی، دولت آلمان بر این موضع خود پافشاری کرد و بازداشت سرکوهی را بی‌ارتباط با دادگاه میکونوس ندانست. مدیران کل وزارتخانه‌های خارجه کشورهای معروف به ترویگا (هلند، لوکزامبورگ و ایرلند) نیز خواستار روشن شدن وضعیت سرکوهی شده‌اند. وزیر خارجه جدید آمریکا، در نخستین دیدار خود از آلمان گفت موضوع فرج سرکوهی را با مقامات آلمانی مورد گفتگو قرار داده است. وی این موضوع را «بسیار پراهمیت» خواند.

هاشمی رفسنجانی، در مصاحبه مطبوعاتی خود با خبرنگاران داخلی و خارجی، در پاسخ به این واکنش‌های اعتراضی، سخنان مقامات حکومت اسلامی را تکرار کرد و بازداشت فرج سرکوهی را «مساله صد در صد داخلی» نامید. رفسنجانی در پاسخ به سوال خبرنگاران مدعی شده که موضوع سرکوهی به صورت یک «معما» درآمده است و «میهم» است اما وی به عنوان رئیس قوه مجریه کشور نگفت که سرکوهی را به چه جرم مشخصی دستگیر کرده‌اند. جمهوری اسلامی از پاسخ به این سوال خودداری می‌کند که

رضا براهنی: ما نباید به این سادگی

کشورمان را ترک کنیم

بقیه از صفحه اول

گرفتاری است. گرفتاری دیگر این که آیا امکان این هست که مثل اشخاصی مثل ما، در صورتی که به خارج هم می‌آییم، خیلی راحت بتوانیم در کنار هم یک نوع حرکت به اصطلاح ادبی، فرهنگی و اجتماعی باهم داشته باشیم. من دقیقاً هیچ وقت به دنبال آزمایش این مسائل نبودم به دلیل این که فکر می‌کنم نویسنده یک نفر آدمی که نسبتاً فردی است و می‌تواند اثر خود را می‌نویسد و باید یک نفر پیدا بشود آن را ترجمه کند و یا خودش ترجمه کند و برساند دست آنها و این هم در خارج از کشور کار فوق‌العاده مشکلی است. در نتیجه واقعا بریدن از ریشه فوق‌العاده وحشتناک است. فکر می‌کنم آنها هم می‌دانند که بریدن از ریشه وحشتناک است و به همین دلیل فشارشان را بیشتر می‌کنند. فکر می‌کنم شرط اساسی انسانی این است که اینها آدم‌هایی که هیچ وقت قصد خاصی ندارند، آزاد بگذارند و اجازه بدهند کارهایشان دربیاید. این گروه‌های فشار را، در صورتی که فرض کنید مهدی نصیری، یا روزنامه

کیهان یا سانسورچی‌ها را ترجیح بدهید به این همه نویسنده که در کشور ما هست، دیگر هیچ چیزی سرچای خودش باقی نمی‌ماند. به طور طبیعی به آدم این حس دست می‌دهد برای این که آنجا گرفتاری معنوی دارم، گرفتاری سانسور دارم، گرفتاری مادی دارم، سرنوشت من در یک جای دیگر به چه صورتی درمی‌آید. البته، به این معنی نیست که قصد دارم به یک کشور دیگر پناهنده شوم و یا در یک جای دیگر یک زندگی جدیدی را شروع کنم. به این دلیل که زندگی من در آن مملکت است.

شما فکر نمی‌کنید که به فرض اگر مانند آنچه در دهه ۷۰ و ۸۰ در اتحاد شوروی سابق اتفاق افتاد، آنها راضی باشند که ناراضیان و یا دیگر اندیشان از کشور خارج بشوند و صحنه خالی بشود و آنها یک آسیایشی از دست مزاحم‌هایی مثل شما پیدا نکنند، در آن صورت چه فایده‌ای خواهد داشت؟

براهنی: این هیچ نوع فایده‌ای نخواهد داشت. بر سر حکومت شوروی چی پیش آمد. بالاخره حکومت شوروی پابرجا نماند. این



همه آدم از آن کشور آمدند بیرون و در عین حال این همه نیرو به مخالفت با آن جریان (حکومت) برخاستند. فکر می‌کنم که ما نباید به این سادگی کشور خودمان را ترک بکنیم. (اما) اگر قرار باشد سرنوشت فرج سرکوهی در انتظار بقیه نویسندگان کشور هم باشد، اینها چاره‌ای نخواهند داشت. به دلیل این که صیانت نفس یکی از مسائل خیلی اساسی آدم‌هاست. این‌ها چاره‌ای نخواهند داشت یک سقفی در یک جای دیگر برای زندگی خودشان تأمین نکنند. درست است که وجدان میهنی وجود دارد، وجدان فرهنگی وجود دارد، وجدان بازگشت به کشور وجود دارد. من اخیراً یک یادداشتی از آقای علوی (بزرگ علوی) دیدم، می‌گوید که زندگی یک چیز دیگر است ولی من می‌خواهم در کشور خودم بمیرم.

رفیق کورش دهملانی (اندیشه)

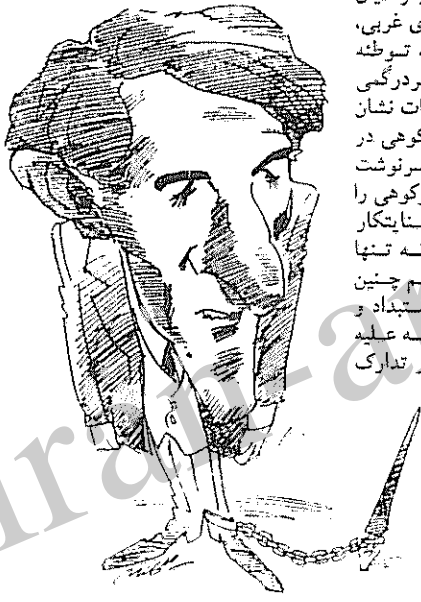
درگذشت

با اندوه فراوان به اطلاع می‌رسانیم رفیق کورش دهملانی (اندیشه) عضو سازمان و همکار نشریه کار در تاریخ ۱۸ بهمن بر اثر بیماری سرطان درگذشت.

کورش متولد سال ۱۳۳۴ بود. او در سال ۱۳۶۰ وارد دانشگاه شد و در رشته زبان روسی فارغ‌التحصیل گردید و در همان سال ازدواج کرد. کورش در جریان انقلاب بهمن فعال بود و بعد از انقلاب هوادار سازمان شد و همواره از منافع زحمتکشان دفاع می‌نمود.

او تا سال ۶۸ در ایران زندگی می‌کرد و در محل کارش یکی از فعالین صنفی بود در همانسال به خارج از کشور مهاجرت کرد و در ارتباط با سازمان قرار گرفت. کورش در خارج از کشور در عرصه کارهای تشکیلاتی و مسائل نظری فعال بود و با نشریه کار همکاری داشت.

مراسم خاکسپاری کورش با شرکت تعدادی از دوستان و آشنایان در محل اقامتش انجام



طرح از سخاوژ

وظیفه ما

دموکراسی است و سازمان‌دهی این مبارزه و فرا رویاندن آن تا سطح مبارزه آشکار برای مطالبات سیاسی، مهم‌ترین وظیفه نیروهای دموکراتیک به شمار می‌رود.

ما عمیقاً اعتقاد داریم که بدون سازمان‌دهی کارگران و زحمتکشان و بسیج نیروی بی‌کران آنان در جهت مطالبات سیاسی و دموکراتیک، نیروی لازم برای غلبه بر جمهوری اسلامی فراهم نخواهد آمد و دموکراسی در ایران به پیروزی نخواهد رسید. بدون این که چنین پیوندی بین جنبش روشنفکری و جنبش کارگری برقرار شود، هر دوی این جنبش‌ها اگر نیز شکست نخورند، در میدانی تنگ و محدود اسیر خواهند ماند و اگر این پیوند برقرار شود، نیرویی در ایران سربرخاورد آورد که پشتوانه مطمئنی برای پیشرفت به سوی دموکراسی و عدالت اجتماعی خواهد بود.

تشکر و قدردانی

اسمال نیز، چوهران سال‌های گذشته، رفقا و دوستان سازمان در رابطه با برگزاری جشن سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق صمیمانه با ستاد برگزاری جشن همکاری نمودند از جمله این تلاش‌ها و همکاری‌ها، تهیه طرح زیبای پوستر جشن توسط رفیق همایون و نقاشی تابلوی بسیار زیبایی جشن در پرده‌ای به وسعت نزدیک به ۱۵۰ متر مربع توسط هنرمند ارزنه کانی است. برای جبران این زحمات، که بدون وجودشان برگزاری درخور جشن غیرممکن بود، ما میج وسیله‌ای جز ابراز تشکر رفیقانه و صمیمانه در اختیار نداریم. باشد که تلاش مشترک ما در راه ایرانی آباد و آزاد همواره تدارک یابد و پربارتر گردد.

ستاد برگزاری جشن سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بقیه از صفحه اول

مسکن، برای برخورداری از آموزش، حق مردم برای گرسنه نبودن نیز هست. سخن بر سر پیوند بین مطالبات آزادی‌خواهانه با خواست‌های عدالت جویانه است. جنبش دموکراسی در ایران اگر محتوایی عدالت جویانه نداشته باشد و توده مردم در آن تحقق مطالبات و خواسته‌های خود را نییند، جنبش روشنفکرانه باقی خواهد ماند و قادر نخواهد بود نیروی کافی برای مقابله با دیکتاتوری فراهم آورد. این به ویژه وظیفه نیروهای چپ، به دلیل اهدافی که در پیش روی خود قرار داده‌اند، است که مبارزه دموکراتیک را در پیوند با مطالبات توده‌های مردم قرار دهند و از آن جدا نمانند.

با چنین درکی، مبارزات کارگران و توده مردم در جهت مطالبات اقتصادی و اجتماعی خود به مثابه جزئی جداناپذیر از مبارزه در جهت

نامه به آقای موریس کاپیتورن

گزارش گر ویژه‌ی کمیسیون حقوق بشر

(رونوشت به مطبوعات و رادیوها و مجامع بین‌المللی حقوق بشر)

عالی جناب!

در ۱۹۹۷ در هامبورگ، پس از آگاهی از وخامت وضع و خطر جدی که جان و شرف این روزنامه نگار ایرانی را تهدید می‌کند، بار دیگر صدای اعتراض خود را علیه نقض آزادی و موازین حقوق بشر در جمهوری اسلامی بلند کردند. از شما مصرانه می‌طلبیم موضوع را سریعاً در کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل متحد مطرح سازید و شخصاً علیه این تجاوز آشکار به حقوق انسانی اعتراض کرده و هر چه سریع‌تر با مقامات رسمی جمهوری اسلامی تماس گرفته و آزادی و تأمین جانی و امنیت او را مطالبه کنید.

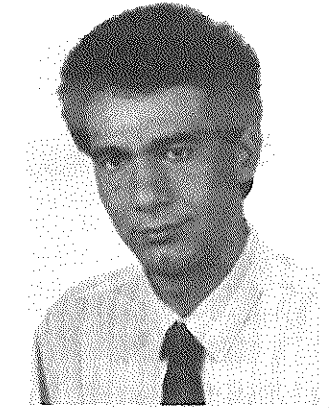
۲ فوریه ۱۹۹۷

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) حزب دموکراتیک مردم ایران جمهوری خواهان ملی ایران

با یک دنیا نگرانی و خشم مطلع شدیم که آقای فرج سرکوهی، سردبیر مجله‌ی آدینه که به طور علنی و قانونی در ایران منتشر می‌شود، برای بار دوم طی دو ماه اخیر دستگیر و ناپدید شده است. انتشار نامه‌ی ۱۴ صفحه‌نی به خط او که اخیراً منتشر شده و بازتاب بین‌المللی یافته، حاکی از توطئه و نقشه‌ی چندجانبه مقامات حکومتی جمهوری اسلامی است که این روزنامه نگار آزادی‌خواه و دگراندیش قربانی و وسیله‌ی اجرای آن قرار گرفته است.

همان گونه که از نامه‌ی آقای فرج سرکوهی پیدا است، امنیت، شرف و جان او در معرض نابودی است.

نمایندگان شوراهای مرکزی سازمان جمهوری خواهان ملی ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب دموکراتیک مردم ایران، در اجلاس مشترک خود در دوم فوریه



گرفت. این مراسم همراه با قطعاتی از شعر و خاطره توسط همسر رفیق، دوستان و رفقای وی برگزار گردید.

کارکنان نشریه کار، رفقای جنوب آلمان و شهر فرانکفورت فقدان رفیق اندیشه را به همسرش ناهید، دخترانش آناهیتا و آیدا و دیگر بازماندگانش تسلیت و خود را در غم آنان شریک می‌دانند.

بیضایی

دوباره ایران را ترک کرد

پاشنه می‌چرخد. پس دوباره پارویندیل خود را بست و به خارج آمد. به نوشته‌ی ماهنامه آدینه او هنگام ترک دوباره‌ی ایران گفته است: «امیدوارم هنگامی که بازمی‌گردم شرایط مساعدی برای ساختن فیلم به وجود آمده باشد.»

این امیدی است که چندین و چند نویسنده و هنرمندی که در ظرف ماه‌های اخیر برای گریز از فشارها و محدودیت‌ها به خارج آمده‌اند نیز آن را ابراز داشته‌اند. ماجرای فرج سرکوهی اما نشان می‌دهد که فعلاً هیچ روزنه‌ای برای تحقق این امید گشوده نیست و در درازمدت هم تنها با ایستادگی و مقاومت سیاسی و فرهنگی می‌توان محقق شدن آن را ممکن ساخت.

بهرام بیضایی، کارگردان سرشناس سینمای ایران که در تولید آثار سینمایی و یا اجرای نمایشنامه‌های خود پیوسته با محدودیت‌های و موانع جمهوری اسلامی مواجه بوده است، چندی پیش پس از آن که از ساختن فیلم در ایران ناامید شد برای چند مدتی به فرانسه آمد و مشغول برخی فعالیت‌های آکادمیک و مطالعاتی شد. اخیراً روزنامه‌های ایران نوشتند که وزارت ارشاد یکی فیلمنامه‌های بیضایی را که مدت‌ها قبل نوشته شده بود مورد تصویب قرار داده است. بیضایی این خبر را به فال نیک گرفت و راهی تهران شد تا دوباره فعالیت سینمایی خود را آغاز کند، اما در سافت که آب از آب تکان نخورده و در کماکان بر همان

نامه سرگشاده رضا براهنی:

چرا از کابوس‌های ما بیرون نمی‌روید؟ چرا ول نمی‌کنید؟

نویسنده و منتقد برجسته‌ترین کشورمان رضا براهنی در یک نامه سرگشاده که سندی دیگر علیه رژیم فرهنگ ستیز جمهوری اسلامی است از توطئه‌های شوم دستگاه اطلاعاتی رژیم پرده برداشت. در زیر بخش‌هایی از نامه سرگشاده وی را درج می‌کنیم.

مسائلی که در ماه‌های اخیر برای نویسندگان ایران پیش آمده مرا بر آن می‌دارد که چند نکته اساسی را با همه کسانی که نسبت به سرنوشت نویسندگان علاقه و نگرانی نشان می‌دهند در میان بگذارم. یکی دو نکته از این چند نکته به تاریخچه فعالیت مشترک نویسندگان ایران مربوط می‌شود و نکته‌های دیگر به حوادثی ارتباط پیدا می‌کند که در طول چند ماه گذشته اتفاق افتاده است.

بدنبال زلزله مصیبت‌باری که بخشی از استانهای گیلان و زنجان را ویران کرد در حدود چهل نفر از نویسندگان ایران در منزل یکی از نویسندگان اجتماع کردند تا ضمن ابراز همدردی نسبت به این حادثه دهشتناک، راه‌های مناسب برای جمع‌آوری اعانه و ترمیم خرابی‌ها را با هم بررسی کنند. از میان آن چهل نفر، خانم سیمین بهبهانی، آقایان محمود دولت‌آبادی، هوشنگ گلشیری، دکتر جواد مجابی و رضا براهنی مأموریت پیدا کردند که به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جهت گرفتن سرنوشت و سخنرانی مذاکره کنند تا نویسندگان ایران از طریق قرائت آثار خود ... به یاری هم‌میهنان مصیبت‌زده خود بشتابند. وزارت ارشاد از دادن سالیان به نویسندگان کشور امتناع کرد ... ولی کوشش اصلی گروه پنج‌نفره این بود که یک بار دیگر موضوع آزادی بیان و اندیشه تشکلی نویسندگان در زیر سقف یک کانون و از طریق مطبوعات به گوش مردم برسانند ... مرحله بعدی که تقریباً از سه سال پیش شروع می‌شود بدنبال نامهای بود که برای تعدادی از نویسندگان سرشناس کشور از سوی «دفتر استراتژی‌های فرهنگی» ستاد رئیس جمهوری ارسال شده بود ... نامه برای نویسندگان جداگانه ارسال شده بود و پاسخ‌های جداگانه هم می‌خواستند. عده‌ای از نویسندگان در منزل شاعر بزرگ ایران احمد شاملو گرد آمدند تا پیرامون آن بحث کنند. در آنجا تصمیم گرفته شد که نویسندگان

حاضر به جای پاسخ به سئوالهای آن‌دو دفتر، کانون نویسندگان ایران را احیا کنند ... شخصی به نام سیمونیان با آقای منصور کوشان تماس گرفته بود و گفته بود که جمهوری ارمنستان می‌خواهد تعدادی از نویسندگان ایران را ... به ارمنستان دعوت کند. ... بحث‌های مختلف بسین نویسندگان و روزنامه‌نگاران مطرح شده بود. یک عده می‌گفتند می‌رویم. یک عده دیگر می‌گفتند نمی‌رویم. من گفته بودم که نخواهم رفت.

... اواخر تیر یا مرداد سال ۷۵، خانمی تلفن کرد و خود را منشی سفارت آلمان معرفی کرد و گفت که قرار است عده‌ای از روشنفکران و نویسندگان به سفارت آلمان دعوت شوند و از من آدرس خواست. در تهران دعوت از نویسندگان و هنرمندان معروف به جشنها و اعیاد سفارت‌خانه‌های خارجی جریان تقریباً عادی است (...). گاهی دعوت از نویسندگان مستقل با هم صورت می‌گیرد و اغلب اشخاص با همراشان در این مجالس عمومی شرکت می‌کنند ... همان شب خانم گلشیری تلفن کرد و گفت روی دعوت ساعت شوم می‌مانی نوشته نشده. دعوت برای ساعت ۷/۵ است ... قریب یک ماه و نیم بعد از این ماجرا خانم گلشیری گفت که او دعوتنامه را ندیده است ... بلکه خانم هوشنگ داریوش به ایشان اطلاع داده است که دعوت برای ساعت ۷/۵ است ... آقای گلشیری حق دارد هر نوع داوری ادبی در باره من بکند. من نیز حق دارم در باره آقای گلشیری هر نوع داوری ادبی بکنم. ولی به صراحت می‌گویم که آقای هوشنگ گلشیری کشور خود را از تخم چشمش عزیزتر می‌دارد. به فرهنگ ایران عشق می‌ورزد و هیچ شاعره ارتباط با خارج و انوسوی مرزها و غیره به او نمی‌چسبد ... دعوت از سوی شخصی بود به نام پنی گوست. من هرگز دعوتی به این صورت از هیچ سفارت‌خانه‌ای دریافت نکرده‌ام. حتی از غیر سفارت‌خانه‌اش هم دریافت نکردم ... صحبت «از چندی قبل» بود، از «همکار نویسنده شما» بود. صحبت از تبادل نظری همه‌جانبه در مورد «مسائل مختلف حیات روشنفکری در ایران» بود. صحبت از «بر این امر توافق داشتیم» بود. صحبت از «ایجاد

تماس‌های نزدیکتر بین نویسندگان و شاعران روشنفکر ایرانی و بخش فرهنگی سفارت آلمان در تهران» و «میهمانی شام در محفلی کوچک». سند به صراحت بوی توطئه می‌داد ... ولی منی که این نامه را گرفتم باید به دو چیز فکر کنم. سرنوشت خودم و سرنوشت جمع. با فرج سرکوهی تماس گرفتم، گفت که او را هم دعوت کرده‌اند ... با وکیلتم تماس گرفتم و نامه را خواندم. نظر او این بود که بی‌جواب گذاشتن نامه درست نیست ... بی‌جواب گذاشتن نامه فعالیت مشروع و اصولی نویسندگان ایران را زیر سؤال می‌برد. آن خانمی که گفته بود از سفارت آلمان تلفن می‌کند دوباره تلفن کرد، سؤال کردم چه گمان دیگری دعوت شده‌اند. اسم محمود دولت‌آبادی، سیمین دانشور ... فرج سرکوهی و خانم بهبهانی را برد ... متوسل شدم به فرج و گفتم که نامه خطرناک است و این چه جور دعوتی است ... روز شنبه ششم مرداد با سرکوهی تماس گرفتم. گفت که به محض ورود به منزل گوست به او اعتراض کرده‌است ...

حادثه حیرت‌انگیز سفر به ارمنستان مربوط می‌شود ... دوشنبه هشتم مرداد ماه ۲۱ نفر با اتوبوس راه می‌افتند ... سپانلو و فرج سرکوهی هم در میان جمع هستند ... صحرانگار به گردنه حیران می‌رسند ... بالای گرده چشم باز می‌کنند و می‌بینند راننده اتوبوس در رفته و ماشین در حال سقوط به دره است ... اول سرورکله سپس و بعد سرورکله ماموران اطلاعات پیدا می‌شود ... وقتی مامور نزدیک می‌شود دو نفر، آقایان سپانلو و سرکوهی او را می‌شناسند. این همان آقای هاشمی است که بعدها فرج سرکوهی را زجرکش خواهد کرد. ولی فعلاً در نقش منجی نویسندگان ایران وارد میدان شده است. بعدها معلوم می‌شود که روز پنجشنبه ۴ مرداد ماه ایشان مشغول ایفای نقش کمک به نویسندگان ایران بوده است ... در طول این یک‌ماه در جاهای مختلف بحث منزل گوست بوده ولی اطلاع دقیق در کار نیست ... ساعت ۹/۴ دقیقه یک عده با اسلحه و دوربین فیلم‌برداری می‌روند خانه گوست. همه را دستگیر می‌کنند ... بعد سرورکله آقای هاشمی پیدا می‌شود. ... یک نویسنده ممکن است در داوری خود نسبت به یک میهمانی،

یک واقعه، یک نامه و یک مقوله اشتباه کند. رفتن آن ۶ نویسنده به خانه کاردار فرهنگی سفارت آلمان ... اشتباه بود. سرکوهی به روشنی در نامه به همسرش گفته که تلفن به گوست اشتباه بوده، ولی اشتباه بزرگتر در جای دیگر است. ما نمی‌توانیم این نویسندگان را به سبب رفتن به خانه گوست، جاسوس، خائن و وطن‌فروش بدانیم. سابقه درخشان زندگی ... سیمین بهبهانی در برابر ماست. فرج سرکوهی نویسنده شریفی است که در طول دهه گذشته مورد اعتماد و وثوق خیل عظیم نویسندگان کشور بوده است. نه اخلاقی فردی و خصوصی او خدشه پذیر است و نه موضع سیاسی او در برابر بیگانگان ... محکوم کسی است که او را بدنام انداخته ... گلشیری چوب اعتراضی را می‌خورد که به حق به سانسور کرده است. جان بی‌تابش برای ادبیات کشورش و زبان مادری‌اش سوخته است ... آقای گوست باید از هوشنگ گلشیری عذر بخواهد که از قسول او حرف زده است، وگرنه نویسندگان ایران او را شریک توطئه‌های خواهند دانست که علیه نویسندگان ایران طرح‌ریزی شده است.

مسئله می‌کونوس کوچکترین ارتباطی به نویسندگان ایران ندارد ... همیشه گفته‌ام که با سانسور مبارزه خواهیم کرد. خواهان نشر آزادانه افکار و عقاید خود هستیم. دنبال برخورد آزادانه عقاید و آرا همگان هستیم ... ما خواهان برپیده شدن کلیه مکانیزم‌ها و تمهیدات سانسور هستیم. خواهان آزادی فرج سرکوهی و همه نویسندگان کشور هستیم. ما خواهان برپایی کانون نویسندگان ایران هستیم ... ما نویسندگان تیروه روز ولی سرپلند کشوری هستیم که مجموعه دارایی همه‌مان مشتکی خاکستر نیست، ولی آنچه امروز در ایران و در خارج از ایران خوانده می‌شود نوشته ما تیردروزان تاریخ است. شما چرا دست از سر مشتکی خاکستر نشین که چیزی جز مقداری کاغذ و قلم از سراسر تاریخ نخواستند - اندو نمی‌خواهید ... چرا آزادمان بر نمی‌دارید؟ ... وجدان شما کی بیدار خواهد شد؟ ... ما تیره روزان که گرفتار شما سیه رویان شده‌ایم. چرا از کابوس‌های ما بیرون نمی‌روید؟ چرا ول نمی‌کنید؟

برگزاری کنفرانس «حکومت و مذهب»

هفدهمین کنفرانس انجمن پژوهشگران ایران تحت عنوان «حکومت و مذهب» با همکاری دانشگاه لندن در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه برگزار گردید. در این کنفرانس چهار سخنران از متخصصین و صاحب‌نظران ایرانی و خارجی مقیم کشورهای انگلستان، فرانسه، سوئد، آلمان و سوئیس شرکت داشتند. سه سخنرانی از مجموع سخنرانی‌ها بزبان انگلیسی و توسط پژوهشگران و استادان دانشگاههای انگلیس ایراد شد. چهار سخنران از پیروان ادیان غیر اسلامی - شیعی یعنی زردشتی، مسیحی، یهانی و سنی بودند. موضوع اصلی بقیه سخنرانی‌ها عموماً معطوف به اوضاع ایران امروز، ولایت فقیه، حقوق بشر و مسائل مربوط به دمکراسی و آزادی بیان و عقیده و جز اینها بود. دو نفر از سخنرانان مدعو، یکی بعلت وضع نامساعد مزاجی اجازه پرواز از آمریکا را پیدا نکرد و دیگری از ایران (دکتر حبیب‌الله پیمان) بعلت ممنوع‌الخروج شدن نتوانست در کنفرانس شرکت نماید.

خبرهای علمی

بشر کی پا به عرصه‌ی هستی گذاشت؟

چندی پیش ماری لی‌کی Mary Leakey باستان‌شناس نام‌آوری که به همراه شوهرش لویس لی‌کی به کشفیات بزرگی در زمینه‌ی تاریخ پیدایش انسان بر روی کره‌ی زمین نائل شده بود، در سن ۸۳ سالگی در نایروبی درگذشت. دو پژوهش‌گر نام‌برده در سال ۱۹۴۷ جمجمه‌ی موجود میمون‌نمایی را کشف کردند که در ۲۵ میلیون سال پیش می‌زیسته است و جد مشترک انسان‌ها و میمون‌ها به حساب می‌آید.

آنان در سال ۱۹۵۰ نیز در تانزانیا بقایای فسیلی شده‌ی انسان‌های اولیه‌ی را یافتند که در ۱/۸ میلیون سال پیش زندگی می‌کردند. تا آن زمان تصور می‌شد که عمر نوع انسان از یک میلیون سال فراتر نمی‌رود.

یافته‌های تازه‌تر نشان می‌دهد که هومو هابیلیس (انسان توانا) Homo habilis با مغز بزرگ و مرکز کلامی برجسته‌اش، ۲/۵ میلیون سال پیش هم‌زمان در تمامی قاره‌ی آفریقا به‌سر می‌برده است. به نظر پژوهش‌گران دلیل اصلی تکامل از میمون به انسان بر روی دوپای ایستادن و راه رفتن برده است. خانم ماری لی‌کی در سال ۱۹۷۸ نیز با کشف جای پای یک مرد، یک زن و کودک بر روی خاکستر سنگ شده‌ی آتش‌فشان‌ها، نشان داد که اجداد انسان کنونی در ۳/۵ میلیون سال پیش و چه بسا مدت‌ها پیش از آن بر روی دو پا راه می‌رفته‌اند و تکامل پاها مدت‌ها قبل از تکامل مغز صورت پذیرفته است.

قورباغه‌های عجیب‌الخلقه

کشف روزافزون دوزیستان تغییر شکل یافته در آمریکای شمالی نگرانی متخصصان را برانگیخته است. زیرا گفته می‌شود دوزیستان پارومترهای (فشارسنج) حساس محیط‌زیست هستند، چرا که پوست این مهره‌داران همه‌ی مولکول‌ها را از خود عبور می‌دهد و قابلیت جلوگیری از عبور بعضی از مولکول‌ها را ندارد.

حدود چند ماه است که قورباغه‌هایی که پنج یا سه پا دارند و چشم‌هایشان غیرعادی است یا اندام‌های بدن آنها فلج و تغییر فرم یافته است، در ۱۸ ایالت آمریکای شمالی توجه دانشمندان محیط‌زیست را به خود جلب کرده است. بررسی پدیدگی موجود هم‌چنان ادامه دارد و از این تئوری‌های مختلفی که در توجیه علت این پدیده‌های غیرعادی ارائه شده است، وجود مواد شیمیایی یا ویروس در آب بیش‌تر مورد تأیید است.

اصلاح ژنتیکی مواد غذایی

همان‌طور که قبلاً نوشتیم دولت آلمان سرمایه‌گذاری بزرگی در رشته‌ی مهندسی ژنتیک کرده است و خیال دارد از این نظر آلمان را به مقام نخست در اروپا برساند. بیوتکنولوژی یعنی دخالت در ژنوم گیاهان و حیوان‌ها عکس‌العمل مخالف زیادی دارد.

اما به‌رغم اعتراض‌های شدید مخالفان وزیر تحقیقات و تکنولوژی آلمان سعی دارد با بحث‌های افتاعی مخالفان را راضی کند و آنها را به این نتیجه برساند که بیوتکنولوژی آینده سرمایه‌داری موادغذایی است و این فرصت آینده را نباید از دست داد.

«رستگاری» یا به‌قول وزیر تحقیقات آلمان «اصلاح» ژنتیکی محصولات غذایی بحث‌های مخالف و موافق زیادی پیرامون خود براف انداخته است. در دفاع از این تکنیک گفته می‌شود که با اصلاح ژنتیکی گیاهان و سبزیجات دیگر احتیاجی به کاربرد موادشیمیایی و ضدآفات نیست و این خود قدمی در حفظ محیط‌زیست است. کاربرد این علم در صنعت داروسازی از جمله تهیه‌ی انسولین نیز مورد مثبت قابل دفاع دیگری است.

در عوض مخالفین عقیده دارند که سرمایه‌داران برای پرکردن جیب خود محصولات غذایی تقلبی به بازار عرضه می‌کنند و دلایل بروز جنون گاوی نیز این ترس را افزایش می‌دهد.

در هر صورت نکته‌ی مورد توافق همگان این است که از این پس همه‌ی محصولات اصلاح شده‌ی ژنتیکی باید اטיکت مشخص داشته باشند تا مصرف‌کننده در خرید کالای مورد نظر خود آزاد باشد.

مرگ صدها انگلیسی بر اثر جنون گاوی؟

گروه پژوهش‌گران انگلیسی که بر روی بیماری جنون گاوی کار می‌کنند اعلام کرده‌اند که با بررسی پیشرفت بیماری حدس می‌زنند که تا چند سال آینده در مبتلایان بیشتری علائم منجر به مرگ این بیمار آشکار خواهد شد. آنها می‌گویند در سال‌های اول قرن آینده شاهد اوج بیماری خواهیم بود.

این گروه، مقاله‌ی حاوی نظراتشان را براساس مطالعه بر روی ۱۴ مورد بیمارانی جدید مبتلا به جنون گاوی انتشار داده‌اند (مواردی که در افراد کمتر از ۴۰ سال دیده شده بود).

مقام‌های وزارت بهداشت انگلیس در مورد بیانیه‌ی پزشکان مذکور اظهار نظری نمی‌کنند و عقیده دارند هنوز زود است که چنین نتایجی را قطعی دانست. اما آنچه مسلم است آن است که بیش‌ترین عامل انتشار بیماری در این دوره گوشت همبرگر بوده است زیرا در این نوع غذا علاوه بر گوشت قرمز، بافت‌های غیرماهیچه‌ی گاوی نیز وجود دارد.

پاپ هم تئوری داروین را پذیرفت

پاپ ژان پل دوم در سخنرانی ۲۳ اکتبر خود در برابر آکادمی مذهب و علوم در واتیکان قبول کرد که «اساس نظریات داروین چیزی بیش از یک فرضیه است».

داروین دانشمند انگلیسی در سال ۱۸۵۹ نظریه‌ی تکامل انواع را براساس انتخاب طبیعی مطرح کرد. اصل تکامل بحث و مناظره‌های زیادی بدنبال خود آورد و مخالفت بسیاری در محافل مذهبی برانگیخت. سخنرانی اخیر پاپ توجه زیادی را بخود جلب کرده است. البته این اولین بار نیست که یک رهبر مذهبی کاتولیک نظری ملایم به اصل تکامل نشان می‌دهد.

در سال ۱۹۵۰ یعنی ۹۱ سال پس از طرح این تز پیوس دوازدهم در بخشنامه‌ی مذهبی خود اعلام کرد که «تکامل یک فرضیه‌ی جدی است که احتیاج به بررسی عمیق دارد.» نزدیک نیم قرن پس از موضع‌گیری نرم پیوس دوازدهم، ژان پل دوم امروز قدمی جلوتر بر می‌دارد و فرضیه‌ی داروین را پیش از یک هیپوتز (فرضیه) می‌داند. اما وی در عین حال بر تمایز روح از ماده تأکید می‌کند و می‌گوید تئوری تکامل با حقیقت انسان ناسازگار است.

خاموشی «بزرگ» داستان‌نویسی معاصر ایران

بزرگ علوی، نویسنده‌ای که نامش با برآمد و پویای داستان‌نویسی معاصر ایران گره خورده است، هفته‌ی پیش در سن ۹۳ سالگی در برلین چشم از جهان فرو بست. او از معدود بازماندگان گروه «۵۳ نفر» بود که به خاطر انکارشان زندانی رژیم رضاشاه شدند و پس از شهریور ۱۳۲۰ نقش قابل‌اعتنایی در تحولات سیاسی آن دوران بازی کردند. بزرگ علوی پس از آزادی از زندان به حزب توده‌ی ایران پیوست و در سال ۱۳۳۱ به ناچار جلا وطنی کرد. او در خارج از کشور پس از چندین سیاست‌کنش از جمله همکاری با کمیته‌ی آکادمیک مشغول شد که معرفی ادبیات معاصر ایران به زبان آلمانی و تدوین یک فرهنگ فارسی به آلمانی به همراهی همکار آلمانی‌اش یونگر حاصل این سال‌های زندگی علوی است.



آثار برجسته‌ی علوی در زمینه‌ی داستان و ژمان عمدتاً به همان سال‌های حضور وی در ایران مربوط می‌شوند. وی سال ۱۳۰۸ مجموعه‌ی «داستان‌های کوتاه خود را در کتابی با عنوان «چمدان» منتشر کرد که به لحاظ ساختار از داستان‌های غربی متأثر بود. زبانی ساده و غیر متکلف داشت و اثری از اندیشه‌های رمانتیک در آن به چشم می‌آمد. این کتاب در کنار تلاش‌های داستانی صادق هدایت از مدتی است به اجبار شاهد یک ماجرای غم‌انگیز شده‌ام و شاید بتوان گفت حتی یک فاجعه. البته ماجرای نیست که تازه شروع شده باشد، و یا فقط من شاهدش بوده باشم. نه... اما تا به حال ندیده‌ام کسی به آن اشاره‌ی کرده باشد در جایی. می‌خواهم که از یک درد حرف بزنم، از کتاب و از درد کتاب. نه از خواندنش، از فروختنش. از این‌که در هر پیش‌آمدی هر تنگنا و فشاری، در تهیه‌ی مخارج هر عید و عزا و هر عقدی اولین چیزی که به پول تبدیل می‌شود کتاب است. با کتاب تلوویزیونمان را رنگی می‌کنیم، با کتاب هالیوود را به خانه دعوت می‌کنیم و حتی می‌شود مقداری از جیب‌های دختر یا خواهرانمان را با پول کتاب تهیه کنیم. (راستی تا بحال شده که یک دوره

داستان‌نویسی معاصر ایران به شمار می‌رود. علوی در بیشتر داستان‌های خود گزارش‌گر تجربه‌ها و دیدگاه‌های بی‌واسطه‌ی خویش از روندها و تب و تاب‌های زندگی است. او گرچه به‌ویژه در آثار اولیه‌اش تحت تأثیر هدایت قرار دارد، لیکن برخلاف او به شدت نالیست و تصویرگر دنیای عینی شخصیت‌ها است. در حالی که هدایت بیشتر به زندگی روانی و حالات‌های درونی انسان‌ها نظر دارد. داستان‌های علوی اغلب از زبان راوی اول شخص بیان می‌شوند و همه‌ی شخصیت‌ها از منظر نگاه اوست که به صحنه می‌آیند و معرفی می‌شوند و کمتر می‌توان به مکتوبات قلب آن‌ها در قضاوتی برکنار از آراء و نظریات راوی دربار‌های شخصیت‌ها دست یافت. این اما نافی از واقعیت نیست که علوی در مقام راوی اول شخص، توصیف‌گری دقیق و روشنگارانه از جنبه‌های عینی روندها و رویدادها، شخصیت‌ها و زوایای زندگی اجتماعی است. اگر در گستره‌ی بی‌ریزی و تکوین داستان معاصر ایران، به لحاظ کیفی صادق هدایت در سکوئی نخست ایستاده باشد، علوی بی‌شک در رده‌ی پس از او قرار می‌گیرد و از همین رو حق بزرگی بر گردن ادبیات داستانی ایران دارد. یادش گرامی باد.

در رثای کتاب

لغت‌نامه‌ی دهخدا چیزیه‌ی عروس (باشد؟) کتاب مظلوم‌ترین شیء خانه است. بی‌کتاب خانمان احساس دل‌تنگی نمی‌کند. اما بی‌تنگ بلور، دلش تنگ می‌شود. تاچه یا کمد یا مثنوی و حافظ دلش خوش می‌شود. اما بشتاب چیزی با طرح گل سرخ چیز دیگری است. سنگ آفتاب را که نمی‌شود به مهنایی برد و به رخ دیگران کشید، اما سنگ سرد گوشواره و یا انگشتری را می‌شود همه‌جا با خود برد. بدبخترانه کتاب جاگیر هم هست حالا وقت گیریش به درک با حراج آن هم بخشی از فضای خانه آزاد می‌شود و هم با پول آن

می‌توان یکی از هزاران برنده‌ی خوش‌شانس سکه‌های بهار آزادی بود. راستی تا به حال دیده‌اید که بعد از درگذشت کسی، حتی یک نفر بر سر تصاحب اشعار نیما یا تصرف رحمانی دعا کند؟! بعضی خانم‌ها را دیده‌ام که می‌گویند کتاب در حکم هوست، مرد یا باید مال همسرش باشد یا کتاب‌هایش، وقتی پسر در خانه نیست، سنگ و قمقه‌های خالی به چه دردمان می‌خورد؟! پس کتاب عامل جدایی و اختلاف هم می‌تواند باشد! برعکس چیزی که می‌گویند: کتاب انسان‌ها را به هم نزدیک می‌کند! همین است که ۶۰ میلیون نفر، ۲ هزار تیراژ

تازه‌های کتاب

شعر نیما در کتاب «نگاهی به شعر نیما» اینک مجموعه‌ی نقد و نظرهایش در مسائل مختلف ادبی و هنری را که طی سال‌های گذشته در نشریات مختلف به چاپ رسیده‌اند یک جا در کتابی به نام «نقطه‌ها» منتشر کرده است. این کتاب ۵۰۰ صفحه‌ی دارای سه بخش است که بخش نخست آن به تئوری و نقد شعر مربوط می‌شود. مقالات «الهام»، «نقش زبان در شعر»، «صدای اسطوره‌ی» (تفسیر شعر «ری را» از نیما) «بازتاب دموکراسی در شعر فارسی» و مقالات جدلی وی بر سر معناها و ارزش‌های شعر یدالله رویایی از جمله مطالب خواندنی این بخش می‌باشند. بخش دوم نقد چندین داستان از محمود دولت‌آبادی، هوشنگ گلشیری، منیر و روانی پور و ... و نیز مصاحبه‌هایی در باب چند و چون داستان و داستان‌نویسی را در برمی‌گیرد. در سومین بخش کتاب نقدها و مقالات گوناگون فلکی در باب مسائل مختلف ادبی و هنری گرد آمده‌اند که «ادبیات و سیاست»، «روانشناسی پونگ» و «نقد ادبی» از خواندنی‌ترین آن‌ها هستند. کتاب نقطه‌ها را انتشارات سنبله (هامبورگ) منتشر کرده است که آدرس آن از این قرار است:

Sonbolen
C/O Copystube
Grindelalle 40
21046 Hamburg
Germany

«فروغ» پُر فروغ

۲۴ بهمن ۳۰ سال پیش قلب پرطپش و هستی‌ستای فروغ فرخزاد از حرکت باز ایستاد، آن هم در نیمه‌راه زندگی و در هنگامه‌ی که شعرش به اوج شکوه و ارجمندی رسیده بود. فروغ نخستین زنی بود که در شعر پارسی زبان و هویتی زنانه را به نمایش گذاشت و با فراتر رفتن از هنجارها و بریست‌های جامعه‌ی مردسالارانه‌ی ما، انگاره‌های تحجرگرای زنانگی‌ستیز را به سرخه‌ی که به بهانه‌ی جنسیتش به وی تحمیل شده‌اند، با صدای بلند طلب کرد. این تلاش اما نه شعر او را یک‌سویه کرد و نه او را از پرداختن به ارزش‌ها و چشم‌اندازهای عام انسانی غافل نمود. شعر فروغ در واقع بازتاب تب و تاب و تمنیات انسان عصر ماست. آینه‌ی است که زلال و تیرگی‌های زندگی را بازمی‌تاباند و به ایستادگی در برابر زوال و مرگ فرامی‌خواند. برای فروغ شعر «اصلاً جزئی از زندگی است... که اگر به محیط و شرایطی که در آن به‌وجود می‌آید و رشد می‌کند بی‌اعتنا بماند هرگز نمی‌تواند شعر باشد». و هم اوست که شعر را «نیازی ناگاهانه به مقابله و ایستادگی در برابر زوال» و نشانه‌ی از عشق فزون‌تر به زندگی توصیف می‌کند.



همکاری در تهیه‌ی چندین فیلم و یک ژمان نیمه‌تمام حاصل پربار هستی کوتاه و ۳۲ سالیه‌ی فروغ‌اند. فروغ در شعر معاصر ایران از چنان جایگاه بلندی برخوردار است که واپس‌گرایان حاکم نیز به رغم سانسور آثار وی، در نفی و انکار حضور سنگین و بی‌بدیل شعر او ناتوان مانده‌اند.

در سی‌امین سال‌گرد خاموشی فروغ بخش‌هایی از شعر ماندگار «تنها» صداست که می‌ماند، را با هم مرور می‌کنیم:

چند روز پیش دوستی را دیدم که دو جلد فرهنگ عمید همراه با مثنوی و شاهنامه و دن کیشوت و خانواده‌ی تیبو را به ۳۵۰۰ تومان فروخت تا برای خواهر همسرش هدیه چشم روشنی بخرد!

پس خوشا به حال جامعه‌ی بی‌درخت، جامعه‌ی در کویر و کویری در دهن. من هم فردا بروم با یک دوره فرهنگ معین یک آثاری بخرم برای پسر نیما!

کرمانشاه- ایرج کیا
برگرفته از نشریه جهان کتاب سال دوم شماره اول و دوم

تو ما همداراست که می‌ماند
چرا توقف کنم، چرا!
پرنده‌ها به جستجوی جانب آبی
رفته‌اند
افق عمودی است
افق عمودی است و حرکت،
فواره‌وار
و در هرود بینش
سیاره‌های نورانی می‌چرخند
زمین در ارتفاع به گذار می‌رسد
و پاهای هوایی
به نقب‌های رابطه تبدیل می‌شوند
و روز وسعتی است
که در مفصله‌ی تکلیب کرم روزنامه،
نمی‌گذرد...

نهایت تمامی نیروها پیوستن است،
پیوستن
به امل روشن خورشید
و ریختن به شعور نور
طبیعی است
که آسایش‌های باری می‌پوسند
چرا توقف کنم؟
من خوشه‌های نارسان گندم را
به زیر پستان می‌گیرم
و شیر می‌دهم
مردا، مردا، تنها مردا
مردای خواهش شفاف آب به جاری
شدن
مردای ریزش نور ستاره بر چادر مادگی
هاک
مردای انتقار نطفه‌ی معنی
و بسط ذهن مشترک عشق
مردا، مردا، مردا، تنها همداراست که
می‌ماند

گفته‌ها و نکته‌ها

«طبق بررسی‌های به‌عمل آمده اجرای طرح استفاده‌ی اجباری از چادر به عنوان حجاب برتر در برخی از واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی در استان مازندران بازتاب منفی میان مردم ترکمن و اهل سنت شرق این استان داشته است. البته اجرای این دستورالعمل در بعضی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی در شهرهای دیگر به خاطر فراهم نبودن زمینه‌های لازم، واکنش مشابهی را پدید آورده است.»

کیهان هوایی - ۱۰ بهمن

«سینما یا تلویزیون ابزاری است که در واقع تکنیک‌های خودش را دارد و نمی‌شود قانون‌هایی را برای آن‌ها وضع کرد. برای مثال ... (در جمهوری اسلامی) نشان دادن چهره‌ی درشت زن ممنوع شده است. تصویر درشت در سینما یا تلویزیون اصولاً جزء ابزار تکنیکی سینما و تلویزیون است که کاربرد آن برای القای درد، رنج و یا شادی است. و یا توصیه شده تا خانم‌ها پیش‌تر در قالب مادرهای مهربان و همسر دل‌سوز نمایش داده شوند... زمانی که این ضوابط بسیار تنگ را جلوی فیلم‌ساز می‌گذاردند... نتیجه‌اش تصاویری یک بُعدی و کلیشه‌ی از زن می‌شود.»

تیمینه میلانی در دومین جشنواره‌ی سینما ماهنامه‌ی فیلم/شماره‌ی ۱۹۷

فیلم‌های در دست تهیه‌ی تلویزیون جمهوری اسلامی: «۱- امام حسین، ۲- امام صادق، ۳- امام رضا، ۴- شیخ بهایی، ۵- حضرت خدیجه، ۶- مولانا محمد بلخی، ۷- شیخ فضل‌الله نوری، ۹- شهید همت، ۱۰- آخوند خراسانی، ۱۱- شهید چمران، ۱۲- شیخ محمد خیابانی، ۱۳- استاد شبیری، ۱۴- خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۵- پلیس جنوب، ۱۶- ملاصدرا، ۱۷- فراماسوری، ۱۸- داستان انقلاب اسلامی»

از مصاحبه‌ی مدیر روابط عمومی سینما ماهنامه‌ی فیلم/شماره‌ی ۱۹۷

«شخصیت‌های داستانی نمی‌توانند طبق سلیقه‌ی میزان نشر کتاب رفتار کنند... اصرار بر عدم استفاده از کل ظرفیت زبان، اخلاق جامعه را اصلاح نمی‌کنند... وقتی به نویسنده می‌گویند این جمله و آن بند باید عوض شود، مثل این است که به معمار می‌گویند آن سقف یا پنجره را بردار...»

ابوتراب خسروی/داستان‌نویس معاصر در گفتگو با روزنامه‌ی همشهری

«حالا این خطر وجود دارد که نویسندگانی که آثارشان اجازه‌ی نشر نمی‌یابد به این نتیجه برسند که باید کل رژیم را سرنگون کرد. از به میدان آمدن نویسندگان جدید دیگر هیچ خبری نیست، چون هیچ ناشری جرئت و یا توانایی آن را ندارد که آثار کسی را که کاملاً مورد تأیید نیست منتشر کند.»

هوشنگ گلشیری در مصاحبه با یک خبرنگار سوئدی روزنامه‌ی تاتس/ ۱۵ فوریه

نیز مفید و جالب در نظر آید. در کنار «دنیای سوئی» می‌توان به کتاب‌هایی هم چون «مردان اندیشه» اشاره کرد که دربرگیرنده‌ی مصاحبه‌هایی است که «سرایین مگی» نویسنده و فلسفه‌دان معاصر انگلیسی با چندین فیلسوف و فلسفه‌دان معاصر درباره‌ی عمده‌ترین جریان‌ها و شاخه‌های فلسفی سده‌ی حاضر انجام داده و در آن از طریق پرسش‌های نسبتاً روشن‌گرانه و روشنگرانانه به زوایای تفکر فلسفی معاصر پرتو افکنده شده است. این کتاب را در واقع می‌توان جلد دوم کتاب «فلاسفه بزرگ» (آشنایی با فلسفه غرب) به حساب آورد که در آن نیز گفتگوهای مگی با تنی چند از فلسفه‌دانان درباره‌ی فلاسفه‌ی متقدم‌تر بازتاب یافته است. «فلاسفه بزرگ» که سال ۱۳۷۲ به ترجمه‌ی عزت‌الله فولادوند در ایران انتشار یافته حاوی گفتگو‌هایی درباره‌ی اندیشه و سلوک فکری-فلسفی افلاطون، ارسطو، فلاسفه‌ی قرون وسطا، دکارت، اسپینوزا، لایبنیتز، لاک و بارکلی، هیوم، کانت، هگل و مارکس، شوپنهاور، نیچه، هوسرل و هایدگر، پیروان آمریکایی مکتب اصالت عمل، فرگه و راسل و ویتگنشتاین می‌باشد. در کتاب «مردان اندیشه» که آن را نیز فولادوند به فارسی برگردانده و انتشارات طرح نو چندی پیش به بازار فرستاده ما با دیدگاه‌های آیزنیا برلین، چارلز جامسکی، هیلری پانتام، ارنست گلنرو ... و با مباحثی هم‌چون چند و چون و ضرورت فلسفه، موفقیت‌ها و بقیه در صفحه ۹

گامی مهم در راستای تشکیل آترناتیو دموکراتیک

در تاریخ ۱۴ بهمن ماه، سند منشور همکاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان جمهوریخواهان ملی ایران و حزب دموکراتیک مردم ایران مورد توافق نهایی قرار گرفت و گام نخست تلاش‌هایی که از چندین سال پیش با تلاطم‌ها و افت و خیزهای فراوانی جریان داشت به ثمر نشست. توافق حول این منشور همکاری، آغاز مرحله‌ای امید آفرین را بازتاب می‌دهد. این سند و اهمیت آن را بویژه از دو جنبه می‌توان مورد بررسی قرار داد. شرایط و موقعیتی که برداشتن این گام نخست را در راستای اهداف آن با موفقیت و پیروزی و برداشتن گام‌های بعدی قرین سازد.

در عرصه نخست، اهمیت حصول توافق پیرامون منشور همکاری، ناشی از این واقعیت است که برای اولین بار در سال‌های اخیر، در صحنه سیاسی کشور ما، نیروهایی با پیشینه سیاسی متفاوت، پادیدگاه و فرهنگ سیاسی و مواضع غیر یکسان و با تاکیدات و زوایای نگرش خاص نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی، تمام تلاش و کوشش خود را بکار می‌بندند تا مشترکات ایران، سازمان فدائیان خلق ایران، خود را تدوین و تنظیم کنند. این نکات و وجود مشترک عرصه‌ها و موارد بسیار مهمی پیرامون ساختار سیاسی نظام موجود، ساختار سیاسی و مشخصات و ارزش‌های جاری در حکومت پیشنهادی و روش‌ها و عرصه‌های تلاش برای گذار به آن ساختار را شامل می‌شود. حصول توافق پیرامون این نکات اساسی، در عین پایبندی به ارزش‌های اعتقادی و مواضع سیاسی، به حد بالایی از تفاهم، تلاش برای اتکا به نکات مشترک به جای موارد اختلاف، دموکراتیسم و نیز درک و پذیرش تباین‌ها نیاز داشت. چنین تلاش تحسین‌برانگیزی خود نمایش رشد یک روحیه و منش قابل اتکا در جنبش سیاسی کشور ماست.

تلاش‌ها برای تدوین یک منشور همکاری بین نیروهای چپ و جمهوریخواه و دموکرات از پیش از ترور دکتر عبدالرحمن قاسملو، دبیر کل اسبق حزب دموکرات کردستان ایران، و از جمله به ابتکار خود وی شروع شد. در جریان گفتگوها و تدوین منشور اولیه حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان فدائیان خلق ایران، سازمان جمهوریخواهان ملی ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) حضور داشتند. به دنبال ترور دکتر بختیار توسط عوامل جمهوری اسلامی، سیاست شرکت در تدوین منشور مشترک توسط مسئولین حزب دموکرات کردستان پی گرفته نشد و سازمان فدائیان خلق ایران (پيروان بیانیه ۱۶ آذر) نیز طی اطلاعیه‌ای اختلاف آن سازمان را اعلام داشت. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب دموکراتیک مردم ایران و جمهوریخواهان ملی ایران مباحث خود را پیرامون منشور مشترک و در ارتباط با برخی دیگر نیروهای چپ و ملیون در خارج و داخل کشور ادامه دادند.

سازمان ما از همان آغاز، روندهای مغطوف به نزدیکی نیروهای چپ با نیروهای دموکرات جمهوریخواه را نه در تقابل و به جای تلاش برای نزدیکی نیروهای چپ که به مجموعه آن به مثابه دو رکن در هم وابسته نگریسته است. روندهای همسو و همبسته‌ای که مآلا به تقویت تاثیر نیروی چپ بر مسیر رویدادها و آینده سیاسی کشور، در متن تلاش برای تشکیل آترناتیو نیروهای جمهوریخواه آزادخواه منجر خواهد شد. در جریان تلاش برای دستیابی به منشور مشترک همکاری بین سه سازمان، تمرکز بحث‌ها عمدتاً پیرامون مثنی سیاسی و مواضع در قبال جمهوری اسلامی، درک از مبارزه سیاسی و مسالمت‌آمیز، ضرورت ارائه آترناتیو در برابر جمهوری اسلامی و مساله ملی و اشکال مختلف عدم تمرکز (خود مختاری، خودگردانی، انجمن‌های ایالتی و ولایتی و...) بود. پیشبرد بحث‌ها در اکثر موارد به حصول توافق منجر شد. در مورد مساله ملی و امر خودمختاری مشخص شد مابین سه سازمان توافق نظر وجود ندارد و پذیرفته شد که وجود این زوایای مختلف نگرش در متن سند بازتاب داده شود. که تاکید می‌تواند امر خواهد بود که وجود برخی ناهمسانی‌ها در متن و بطن انبوهی از اشتراکات، تفاهم و توافق را معنا و مفهوم می‌بخشد.

انگور، با انتشار منشور مشترک، برداشتن گام‌ها و تلاش در عرصه‌های جدید، در راستای پیشبرد اهدافی که گام نخست را ضروری کرد آغاز شده است. همان‌گونه که در متن سند قید شده است، امضا کنندگان این منشور، با حفظ دیدگاه‌های خود در برنامه‌های متمایز، آن را به مثابه پایه همکاری‌ها و فعالیت‌های سیاسی مشترک خود و نیز به عنوان چارچوب پیشنهادی برای همکاری با سایر سازمان‌ها، احزاب و شخصیت‌های جمهوریخواه اعلام می‌کنند. اینکه مجامع سیاسی ایرانیان در داخل و خارج از کشور به اظهار نظر و نقد سازنده منشور پیشنهادی و پشتیبانی از این کوشش‌ها بپردازند گام بعدی این حرکت را تشکیل می‌دهد. این حرکت در پیوند با جنبش سیاسی درون کشور و در پیوند با احزاب، شخصیت‌ها و انجمن‌های دموکراتیک خارج از کشور می‌تواند ایجادگر تمرکز و تشکل نیرومندی از نیروهای جمهوریخواه دموکرات به مثابه آترناتیو دموکراتیک رژیم جمهوری اسلامی باشد. باید با تمام نیرو در راستای تحقق این هدف تلاش کرد.

چپ ایران نیز هست». بخش بعدی برنامه، سخنرانی آقای رضا مرزبان، روزنامه‌نگار برجسته و نامی ایران بود. آقای مرزبان که دعوت ستاد برگزاری جشن بیست و ششمین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق را پذیرفته بود، متأسفانه به دلیل کسالت ناشی از یک بیماری نتوانست در جشن حاضر شود. او پیام داده بود که وظیفه و افتخار من است که در جشن سالگرد بنیان‌گذاری سازمان شرکت کنم. به درخواست ایشان بخشی از نوشته ایشان از سوی یکی از رفقای سازمان برای حاضرین خوانده شد. میهمان دیگر جشن آقای عباس معروفی سردبیر سابق مجله گردون بود. وی با فرستادن یادداشتی به عنوان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از جمله نوشته بود «... نیز در حالی‌که برای قهرمانان سیاهکل احترام قائلم، و یکی از بستگان من ناصر سیف دلیل صفایی قربانی راه آزادی بود» است، همین حقیق را دوستانه از شما می‌گیرم که بگذارید من یک نویسنده مستقل باقی بمانم». به این ترتیب آقای معروفی از سخنرانی در جشن عذر خواست. گوشه‌هایی از متن ارسالی ایشان نیز در جشن خوانده شد. پس از پخش سرودهایی دیگر از ترانه‌سرودهای فدائیان خلق، اسکندر، به صحنه آمد و با اجرای ترانه‌های گوناگون آذری، فارسی، کردی و لری فضایی شاد در سالن آفرید. او ترانه‌هایی نیز برای کودکان خواند. سپس گروه رقص مژگان به هنرنمایی پرداخت. رقصندگان هنرمند این گروه با رقص‌های زیبای خود، شرکت‌کنندگان در جشن را به شور و یکی از رفقای سازمان برای حاضرین خوانده شد. میهمان دیگر جشن آقای عباس معروفی سردبیر سابق مجله گردون بود. وی با فرستادن یادداشتی به عنوان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از جمله نوشته بود «... نیز در حالی‌که برای قهرمانان سیاهکل احترام قائلم، و یکی از بستگان من ناصر سیف دلیل صفایی قربانی راه آزادی بود» است، همین حقیق را دوستانه از شما می‌گیرم که بگذارید من یک نویسنده مستقل باقی بمانم». به این ترتیب آقای معروفی از سخنرانی در جشن عذر خواست. گوشه‌هایی از متن ارسالی ایشان نیز در جشن خوانده شد. پس از پخش سرودهایی دیگر از ترانه‌سرودهای فدائیان خلق، اسکندر، به صحنه آمد و با اجرای ترانه‌های گوناگون آذری، فارسی، کردی و لری فضایی شاد در سالن آفرید. او ترانه‌هایی نیز برای کودکان خواند. سپس گروه رقص مژگان به هنرنمایی پرداخت. رقصندگان هنرمند این گروه با رقص‌های زیبای خود، شرکت‌کنندگان در جشن را به شور و

دخالت دولت‌های خارجی در امور داخلی کشور.

جهات عمومی حرکت مشترک ما

الف - حمایت از مبارزات مردم برای تحقق خواست‌های آزادیخواهانه و مطالبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر حق آنان و تلاش برای بسیج و سازماندهی این مبارزات در اشکال سیاسی و مسالمت‌آمیز.

ب - مبارزه با فساد و چپاول اقتصادی کارگزاران حکومت و تعدیل اختلاف دهشتناک طبقاتی در جهت تامین رفاه عامه.

ج - مبارزه در راه کسب آزادیهای فردی، صنفی و سیاسی، ایجاد فضای باز سیاسی و تلاش در راه نزدیکی نیروهای سیاسی معتقد به برگزاری انتخابات آزاد.

د - مبارزه برای شکل‌گیری جنبه جمهوریخواهان در خدمت استقرار جمهوری ایران.

ه - مبارزه در راه تامین حاکمیت مردم ایران از طریق تشکیل مجلس موسسان و تدوین قانون اساسی جدید.

و - تعهد به دفاع از اصول و مواضع مشترک بالا و تلاش پیگیر برای تحقق آن.

این منشور در تاریخ ۱۴ بهمن‌ماه ۱۳۷۵ مورد تصویب نمایندگان سه سازمان قرار گرفت.

مناسبات منظم با سایر سازمان‌ها و انجمن‌ها، کانون‌ها و شخصیت‌های آزادیخواهی که بازتاب خواست‌ها و اندیشه‌های خود را در آن مشاهده می‌کنند و نیز سازماندهی اقدامات و فعالیت‌های همسو و مشترک، ارگانی بنام «دفتر هماهنگی جمهوریخواهان آزادیخواه ایران» تشکیل داده‌اند. امیدواریم منشور پیشنهادی، در مجامع ایرانیان داخل و خارج کشور مورد بحث و گفتگو قرار بگیرد تا با پیشنهادات و انتقادات سازنده آنها ترمیم و تکمیل گردد و زمینه ایجاد یک ائتلاف گسترده‌تری از جمهوریخواهان فراهم شود.

۱۴ بهمن ۱۳۷۵
شوراهای مرکزی
حزب دموکراتیک مردم ایران
سازمان جمهوریخواهان ملی ایران
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

منشور همکاری

سازمان جمهوریخواهان ملی ایران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) حزب دموکراتیک مردم ایران

خواناترین شکل حاکمیت مردم است. - از آنجا که گذار از نظام استبدادی و ولایت فقیه به مردم سالاری و جمهوری مستلزم همکاری و همگامی نیروهای معتقد به دموکراسی و جمهوری است.

امضا کنندگان این منشور، با حفظ دیدگاههای خود در برنامه‌های متمایز، آن را به مثابه پایه همکاری‌ها و فعالیت‌های سیاسی مشترک خود و نیز به عنوان چارچوب پیشنهادی برای همکاری با سایر سازمان‌ها، احزاب و شخصیت‌های جمهوریخواه اعلام می‌کنند:

- ۱- دفاع از آزادی‌های فردی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، آزادی بیان، آزادی در اعتقادات مذهبی و باورهای فلسفی، آزادی احزاب و سندیکاها و سایر آزادی‌های دموکراتیک، رفع ستم و تضیقات از زنان کشور و اقلیت‌های مذهبی، دفاع از برابر حقوقی کامل زنان با مردان در کلیه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی.
- ۲- مبارزه در راه تامین پلورالیسم سیاسی، جدایی دین و ایدئولوژی از دولت، رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌ها و ضمانت آن.
- ۳- پذیرش حاکمیت مردم و دفاع از حق آنان در تعیین نظام سیاسی و انتخاب حکومت، تبعیت از آرا اکثریت و رعایت حقوق اقلیت، باور به مبارزه سیاسی در چارچوب قوانین

- با توجه به اینکه طی ۱۷ سال حکومت جمهوری اسلامی، میهن مادر زمینهای اقتصادی، مالی و فرهنگی، سیر فقه‌تربایی پیموده، فقر و محرومیت همه گیر شده است.

- با توجه به این واقعیت که آزادی و سعادت مردم ایران و رشد و توسعه جامعه مستلزم نفی هرگونه استبداد و دموکراتیزه کردن حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور است.

- با توجه به اینکه مقید ساختن نظام سیاسی به دین و ایدئولوژی ناقض و مانع شرکت آزاد و برابر مردم در تعیین مصالح و منافع عامه است و حکومت جمهوری اسلامی با تکیه بر ولایت فقیه و توسل به قهر و امحای آزادی‌های سیاسی، امکان مشارکت مردم در اداره امور جامعه را از میان برداشته است.

- با توجه به اینکه طی پنجاه سال سلطنت استبدادی پهلوی و در رژیم جمهوری اسلامی، آرمسان‌های آزادیخواهانه و عدالت‌طلبانه مردم ایران در انقلاب مشروطیت و بهمن تحقق نیافته است.

- از آنجا که وجود نهادهای دموکراتیک و گسترش فرهنگ دموکراسی در جامعه، مبارزه سیاسی مسالمت‌آمیز و کثرت‌گرایی، مطمئن‌ترین راه تامین حاکمیت مردم و ضامن بقا و استمرار آنست.

- با اعتقاد به اینکه نظام جمهوری، مبتنی بر آزادی و دموکراسی پارلمانی و عدم تمرکز، مناسب‌ترین و

اطلاعیه

هم‌میهنان گرامی!

با مسرت به آگاهی شما و همه مبارزان راه آزادی و مردم سالاری در ایران می‌رسانیم، که سازمان جمهوریخواهان ملی ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب دموکراتیک مردم ایران، پس از گفتگو و تبادل نظرهای طولانی و بررسی اوضاع ایران و آرایش نیروهای سیاسی اپوزیسیون، در ۱۴ بهمن‌ماه ۱۳۷۵ منشور مشترکی را به مثابه پایه همکاری‌ها و فعالیت‌های سیاسی مشترک خود و نیز به عنوان چارچوب پیشنهادی برای همکاری با سایر سازمان‌ها، احزاب و شخصیت‌های جمهوریخواه امضا نمودند.

در این دوران پراکندگی نیروهای آزادیخواه و هنگامی که ضرورت همکاری و اتحاد عمل نیروهای سیاسی بر مبانی و اصول روشن بیش از هر زمان احساس می‌شود، امضا کنندگان منشور بر این باورند که تدوین این منشور و توافق و تفاهم بر سر مبانی مندرج در آن، از سوی سازمان‌هایی با پیشینه و دیدگاه‌های متفاوت در زمینه‌های فکری و سیاسی، آزمایش و دستاورد مهمی در همگامی ما نیروهای طرفدار پیکار سیاسی و مسالمت‌آمیز برای آزادی و مردم‌سالاری در ایران است. امضا کنندگان منشور مشترک، برای پیشبرد هدف‌های مندرج در آن و برقراری

جشن مرکزی ...

نه آسان به دست آورده و نه از کنارآموزش‌های آن آسان بگذشته است. اگر ما پایداریم، یک: از آن روست که از گذشته‌های برخورداریم و آن را متعلق به خویش می‌دانیم؛ و دو: گذشته خود را از منشور تجربه خویش عبور داده و می‌دهیم. راز پایداری و ماندگاری ما، در همینست! بزرگداشت ۱۹ بهمن - روز حماسی، روز تاریخی و روز چرخشی نو در زندگی چپ ایران، برای ما گرامی‌داشت حماسه‌ها و قهرمانی‌ها، و پاس‌داشت دستاوردهای بالنده راه طی شده است. بگذار پرچم ۱۹ بهمن، همواره پرچم عدالت و شکوفندگی باشد». پس از شنیدن شعر «سرود پیوستن»، سروده، خسرو گلکسرخ، پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت فرارسیدن بیست و ششمین سالگرد رویداد حماسی ۱۹ بهمن با عنوان

بقیه از صفحه ۸
و هم به خود سازمان آسیب زد. و پیش‌روی‌هایی، که ما را مآخوخت تا بر قانون‌مندی‌های حرکت جامعه تکیه دهیم و جنبش اجتماعی را با چشم‌انداز آزادی و عدالت اجتماعی محرک باشیم. و اینکه، بیست و شش سال پس از سر برآوردن و گل کردن در سیاهکل، سازمان ما هم چنان پایدار است و چون یک واقعیت تاریخی - سیاسی بر زمین کشور ما رسوخ کرده و در آن به استواری جای گرفته است. این پایداری پیش از همه مرهون پایمردی بنیان‌گذاران و هزاران یار از جان بگذشته ماست و مدیون هزاران هزار انسانی است که جان و جوانی خود را در ربع قرن گذشته به پای این درخت برومند ریختند تا که حاصل کشت و پرورده‌شان بار آورد و شایسته و پیوسته به گل بنشیند. در همان حال، سازمان چکیده همه تجربه‌های است که

«پایداری در راه مردم» توسط رفیق مرضیه شهیدست شفیق، از رفقای قدیمی سازمان خوانده شد. متن این پیام در کار شماره ۱۵۱ به چاپ رسیده است. در پیامد آقایان مهران براتسی و فرهاد فرجاد به ترتیب پیام‌های شورای مرکزی سازمان جمهوریخواهان ملی ایران و هیئت اجرایی حزب دموکراتیک مردم ایران به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت ۲۶ سالگی سازمان را خواندند. در پیام شورای مرکزی سازمان جمهوریخواهان ایران با اشاره به «تغییر و تحول کیفی در پیش و روش سیاسی» سازمان در دوران ۲۶ ساله حیات خود، آمده است «... تحول شما ... به سوی یک سازمان سیاسی با گام نهادن در راه بسیج و سازمان‌دهی مبارزات مردم در اشکال سیاسی و مسالمت‌آمیز، زمینه همکاری گسترده‌ای را با نیروهای ملی و آزادیخواه بوجود آورده است.» و «ما این تحول دموکراتیک ... را به شما و دیگر نیروهای آزادیخواه تبریک

می‌گوییم و امیدمندیم با ایجاد یک دفتر هماهنگی برای سازمان‌دهی فعالیت‌های مشترک سه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب دموکراتیک مردم ایران و سازمان جمهوریخواهان ملی ایران پیکار با نظام ولایت فقیه و اختناق حاکم را تشدید نموده و موفق شویم امید به پیروزی در مبارزه با ظلم و نابرابری و دیکتاتوری را دامن» زیم. در پیام هیئت اجرایی حزب دموکراتیک مردم ایران از جمله آمده است: «اینک سالهاست که سازمان شما و حزب ما، علیرغم مشکلات موجود دست در دست یکدیگر برای ایجاد بدیل چپ دموکرات و آزاداندیش و جسیمه‌ای از جمهوریخواهان آزادیخواه می‌رزمند. تصویب منشور همکاری میان ما و جمهوریخواهان ملی و تشکیل «دفتر هماهنگی جمهوریخواهان آزادیخواه» در ۱۴ بهمن ۱۳۷۵ که حاصل سالها تلاش و گام مشترک است، از دستاوردهای مهم اپوزیسیون آزادیخواه و بیانگر تحول فکری سیاسی امیدبخشی در جنبش

جشن مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در بزرگداشت روز ۱۹ بهمن؛

گرامیداشت حماسه ها و قهرمانی ها، پاس داشت دستاوردهای بالنده راه طی شده

۲۷ بهمن ماه ۱۳۷۵ (۱۵ فوریه ۱۹۹۷) مراسم مرکزی بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق در شهر بن آلمان برگزار شد. در این مراسم صدها تن از فدائیان خلق و دوستان و دوستداران جنبش فدائیان خلق گرد هم آمدند. از ویژگیهای امسال جشن، حضور قابل توجه میهمانان از دیگر عناصر و نیروهای سیاسی بود. در محل برگزاری

نقاش ارزشمند ایرانی کانی علوی، که دیده‌ها را به خود ربوده بود، فضای مراسم بزرگداشت بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق را جلوه‌ای زیباتر و شاداب‌تر بخشید. بر پرده نورانی‌ترین پرتوهای توری که از فراز به زمین زندگی رسوخ می‌کردند، با سرخی عشق و امید گروهی زن و مرد هم‌پوند درمی‌آمیختند، تا خورشیدی جان و زندگی بخش از جان آن‌ها فرا رود.

به همراه یارانش و رهبر آن روز سازمان، رفیق حمید اشرف و گروه بزرگی از رهبران سازمان در نبردی نابرابر با گزمنگان استبداد جان باختند، ۱۰ سال پیش، در سال ۶۵ هزاران فدائی خلق به بند دین‌مداران ستم‌گر و بسیاری از آنان پس از آن به دست رژیم استبداد به دار کشیده شدند. به احترام پیکار و یاد یکایک این گرامیان و دیگر فدائیان جان‌باخته برمی‌خیزیم

گروهی کوچک به مصاف حکومتی تا به دندان مسلح برخاست و بانگ جنبش نوین در دل جنگل‌های سیاهکل و به ماه بهمن ۱۳۲۹، به نوا درآمد. نوایی که ندای آن به اندک زمان، در سپهت میهن و میان انبوهی از روشنفکران چپ بازتاب یافت. شتاب به گمان این که شعله افروخته شده را به آسانی خاموش توان کرد، بی‌دو شک و فرمان مرگ همه جسارت‌کننده‌ها به حریم قدرقدرتی‌اش را صادر نمود.

فروردین‌ماه ۱۳۵۰، آغازگران و رهگشایان مقاومت مسلحانه در برابر رژیم، موجودیت جنبش فدائیان خلق را اعلام می‌دارند و حضور تشکلی نوپا و پرتحرک در عرصه سیاست کشور را به نمایش می‌گذارند. هر چند روز یکبار رفیقتی یا رفقای از ما در پیکارهای خیابانی با مأموران ساواک جان می‌بازند و هر روز، چندین نفر از فعالان و دوستداران جنبش ما به تور گزیده‌های رژیم دیکتاتوری می‌افتند و روانه شکنجه‌گاه‌های دژخیمان می‌شوند. از آغاز تا آستانه انقلاب بهمن، سازمان چهار بار رهبری خود را از دست می‌دهد و نزدیک به چهارصد نفر از کادربلای سازمان که در میان آن‌ها گورهای درخشان، فراوان به چشم می‌خورد، در خون خود می‌غلطند. دستاورد والای هفت سال مبارزه در آلود اما پایمردانه با رژیم دیکتاتوری، تثبیت، ریشه‌دوانی و فراگیری جنبش فدایی است. چنین بود که جنبش فدایی در جریان نبرد حماسی خود و بر پایه نقد مداوم اندیشه و عمل خویش، قد برکتید و در آستانه انقلاب بهمن، جوانان سازمانی پرنفوذ گام در میدان وسیع برآمدند. توده‌ای نهاد. آن‌گاه که رژیم ستم‌گر، چون نیروی مردم جان به لب رسیده، چون «بوک‌تپه‌ای با گشاد و فرو ریخت»، سازمان، چنان شوخ‌بختی پرچمید و طرب‌ناک و گشاده‌رو بهار آزادی را در آغوش کشید و سرود بهاران خجسته‌باد



سرود بین‌الملل که به پایان رسید، مجری بر صحنه پا گذاشت و به رفا و دوستان حضورشان در جشن بزرگداشت روز حماسی ۱۹ بهمن، روز گرامی داشت حماسه‌ها و قهرمانی‌ها و روز پاس‌داشت دستاوردهای بالنده راه طی شده را خوش آمد گوید.

«برنامه را با ترانه سرودی به صدای رهبر جان‌باخته سازمان، فدائی کبیر، رفیق حمید اشرف دنبال

جشن مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نمایشگاهی از گوشه‌هایی از پیکار فدائیان خلق در راه آرمان‌های انسانی صلح، آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم برپا شده بود. این نمایشگاه که در هر دارنده کتاب‌هایی از بنیان‌گذاران سازمان و چریک‌های جان‌باخته، اعلامیه‌های تاریخی سازمان، تصاویری از لحظه‌های گوناگون حیات سازمان بود، با استقبال شایان مواجه شد.

سالن محل برگزاری جشن با پرچم ایران، گل سازمان و شعارهای آن آزیب بسته شده بود. شعارهای «پیکار فدائیان خلق در راه صلح، آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم را گرامی می‌داریم»، «یاد فدائیان جان‌باخته گرامی باد»، «یاد جان‌باختگان جنبش دموکراسی در ایران گرامی باد» و «برقرار باد پیکار مشترک همه نیروهای دموکراتیک» در سالن به چشم می‌خورد.

آغازگر برنامه‌های این سالانه بزرگداشت بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق هم‌چون دو سال گذشته گفتگویی با رفقای از شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بود. در این بخش رفا فریدون احمدی، عضو هیئت اجرایی و مسئول روابط عمومی سازمان، علی پورنقوی، مسئول هماهنگی هیئت اجرایی و شورای مرکزی سازمان و فرخ نگهدار، مسئول روابط بین‌الملل سازمان به پرسش‌های حاضرین پیرامون دیدگاه‌ها، سیاست‌ها و فعالیت‌های سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و شورای مرکزی سازمان پاسخ گفتند.

سپس نوای آشنا و دلنشین ترانه سرودهای فدائیان خلق فضای سالن را آکنده و یادها را تا کوچه باغ‌های سال‌های دور و نزدیک پیکار و دلوری و پایداری فدائیان خلق به همراه برد. ناگهان سکوت سالن را فرا گرفت. سکوتی گذرا که جای خود را به طنین قدرت‌مند سرود بین‌الملل واگذاشت. در همین هنگام پرده‌های صحنه به کناری رفتند و نور الوان بر تابلوی رنگارنگ پشت صحنه ریخت. زیبایی گویای پرده نقاشی، اثر هنری

بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد

بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق

در برلین

روز ۴ اسفندماه (۲۲ فوریه) سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - برلین جشنی به مناسبت بیست و ششمین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق برگزار کرد. در این جشن ده‌ها تن از فدائیان خلق و دوستداران جنبش فدائیان خلق شرکت کرده بودند.

در آغاز برنامه یکی از رفقای ستاد برگزاری جشن بزرگداشت در برلین پس از سخنانی کوتاه، به میهمانان خیر مقدم گفت و برنامه جشن را اعلام کرد. سپس رفیق حسن جعفری، از رفقای قدیمی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت ۱۹ بهمن را برای حاضرین خواند.

پس از آن رفیق مهدی ابراهیم‌زاده، عضو هیئت اجرایی شورای مرکزی سازمان سخنانی در رابطه با تلاش سازمان در راه هماهنگی و همگام کردن هر چه بیشتر نیروهای سیاسی آزادخواه و دموکرات ایران ادا کرد. او با اشاره به منشور همکاری حزب دموکراتیک مردم ایران، سازمان جمهوریخواهان ملی ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) گفت گرچه این منشور در گام نخست تلاش و همفکری سه جریان نامبرده است، ولی این امر به هیچ وجه بدین معنی نیست که راه برای همکاری با دیگر نیروهای سیاسی بسته شده باشد یا همکاری این سه جریان، امری بسته باشد. وی افزود این منشور تنها طرح پیشنهادی مشترک این سه جریان برای گام نهادن در راه نزدیکی نیروهای جمهوریخواهی است که به آزادی و دموکراسی باور دارند.

پس از سخنان رفیق ابراهیم‌زاده، بخش هنری جشن بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق با رقص نوبوگان آغاز شد. پس از آن جشن با بخش پایایی موسیقی شاد ایرانی و اجرای زنده ترانه‌ها و رنگ‌های رقص آذری پی گرفته شد.

جشن بیست و ششمین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق در برلین در فضایی گرم و هم‌بسته تا پاسی از شب گذشته ادامه یافت.

برگزاری جشن بزرگداشت ۱۹ بهمن

زادروز جنبش فدائیان خلق در نروژ

روز شنبه ۲۷ بهمن‌ماه (۱۵ فوریه) به دعوت کمیته دوستداران جنبش فدائی، جشن بزرگداشتی به مناسبت ۱۹ بهمن، زادروز جنبش فدائی در شهر اسلو، پایتخت نروژ برگزار شد.

در این جشن گروه بزرگی از اعضا و هواداران سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی و نیز دیگر ایرانیان متیم نروژ گرد هم آمدند.

آغازگر برنامه‌های جشن بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فدائی پیامی کمیته برگزار کننده این جشن بود. سپس گروه موسیقی گل‌بانگ با اجرای آهنگ‌ها و ترانه‌های خاطره‌انگیز و شاد محلی شور و شادی و فضای دل‌انگیز در سالن پراکنند.

در طول جشن اشعاری از شاعران ایرانی در رابطه با ۱۹ بهمن و یا جنبش فدائی خوانده شد.

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - نروژ، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - نروژ و نماینده مجله میهن در نروژ هر یک پیامی در رابطه با ۱۹ بهمن برای کمیته برگزار کننده جشن بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فدائی فرستادند و همبستگی خود را با کمیته نامبرده اعلام کردند.

برگزاری جشن بزرگداشت

بیست و ششمین سالگرد بنیان‌گذاری

جنبش فدائیان خلق در سوئد

روز شنبه ۲۰ بهمن‌ماه (۸ فوریه) جشن بزرگداشت جنبش فدائیان خلق از سوی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سوئد، در شهر استکهلم پایتخت این کشور برگزار شد. این جشن با استقبال شایان فدائیان خلق و دوستان و دوستداران جنبش فدائیان خلق برگزار شد.

در جنب این جشن میز کتابی نیز گذاشته شده بود، که مورد توجه میهمانان جشن قرار گرفت.

پس از خوش آمدگویی، مجری به احترام یاد جان‌باختگان و مبارزان جنبش فدائی و جنبش آزادیخواهانه میهن‌مان حاضرین را به دقیقه‌ای سکوت فراخواند. برنامه با دکلمه شعر «زندگی» کار شاعر نامی میهن‌مان هوشنگ ابتهاج پی گرفته شد.

ترانه‌سرودهای فدائیان خلق، چکیده رزم و رنج، اراده و شیدانی، غم و شادی، و امید و آرمان‌های ما فدائیان در یادها گام زد و در دل‌ها شور آفرید تا در پی آن پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، «پایداری در راه مردم» به گوش میهمانان رسد. پیام شورا که به پایان رسید، ترانه‌سرود «جنگل» طنین افکند. آنگاه خیر امضای نهایی منشور همکاری حزب دموکراتیک مردم ایران، سازمان جمهوریخواهان ملی ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعلام شد. این خیر با استقبال حاضرین روبرو شد.

باز ترانه‌سرودهای شورانگیز به اجرای گروه گل‌بانگ شور و نشاطی فزون‌تر به ارمغان آورد. سپس سازمان‌ها و احزابی نام برده شدند، که به جشن پیام فرستاده بودند. در پیامد جشن بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق تا پاسی از شب گذشته به رقص و شادی و پای‌کوبی دنبال گرفته شد.

بزرگداشت زادروز جنبش فدائی

در هامبورگ

روز شنبه ۸ فوریه به دعوت رفقای ما در شهر هامبورگ زادروز جنبش فدائیان خلق با حضور تعدادی از دوستداران این جنبش گرامی داشته شد. در این گردهمایی پس از قرائت متن‌هایی کوتاه در بزرگداشت جنبش فدائی و چگونگی شکل‌گیری این جنبش، پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خوانده شد و دیرتر رفا مجید عبدالرحیم‌پور، مرضیه تهیدست شفیع و یکی از حاضرین که سال‌هایی را در زندان رژیم شاه به سر برده به شرح خاطراتی از آن دوران پرداختند.



شده تا برگسب نهضت ملی - دموکراتیک و جنبش چپ نقطه پایان بگذارد. اینک در سیاهکل، اندیشه‌ای که از نیمه دهه چهل، ذهن بخش بزرگی از چپ‌های تازه پا به میدان نهاده را به تسخیر خود کشیده است، عمل را می‌آغازد. جوهره اندیشه چنین است: برای آن که جویبارهای چپ هدر نرود و سلطان دیو‌خوی، جریان‌های مقاومت و اعتراض نوپا را در همان مجرای نخستین نخشکاند؛ و برای آن که جویبارها بر بستر رودخانه سدنابذیر قرار گیرد و شطی فراخناک روان شود تا آن‌گاه که سیل بنیان‌کن فرا برسد، باید محور عمل تهاجمی را برپا کرد و اتحاد را حول عمل سازمان داد. سلاح باورمندان اقدام‌گر در سیاهکل، تنها این فکر و آن روحیه نروژا بود.

با چنین عزم پولادینی بود که

می‌گیریم». نام حمید سالن را به سکوت نشانده و آوای او آن را پر کرد. «من چریک فدائی خلقم جان چون من هزاران فدای خلق غرق خون باید امروز من و تو تا ز خلق باشد فردای خلق»

پیکار تا براندازم هر ستم، هر استثمار رسم دیرین از بن براندازم تا نوین دنیایی بر پا سازم» پس از پایان سرود، مجری سخن خود را پی گرفت. «۲۵ سال پیش در سال سیاه ۵۰ دژخیمان رژیم مستبد رهبران یکی از دو گروه بنیان‌گذار سازمان، رفا امیر پرویز پویان، مسعود احمدزاده و عباس متاجی را به همراه یاران بسیاری از آنان کشت. ۲۰ سال پیش در سال ۵۵ رفیق بهروز ارغمانی

شده تا برگسب نهضت ملی - دموکراتیک و جنبش چپ نقطه پایان بگذارد. اینک در سیاهکل، اندیشه‌ای که از نیمه دهه چهل، ذهن بخش بزرگی از چپ‌های تازه پا به میدان نهاده را به تسخیر خود کشیده است، عمل را می‌آغازد. جوهره اندیشه چنین است: برای آن که جویبارهای چپ هدر نرود و سلطان دیو‌خوی، جریان‌های مقاومت و اعتراض نوپا را در همان مجرای نخستین نخشکاند؛ و برای آن که جویبارها بر بستر رودخانه سدنابذیر قرار گیرد و شطی فراخناک روان شود تا آن‌گاه که سیل بنیان‌کن فرا برسد، باید محور عمل تهاجمی را برپا کرد و اتحاد را حول عمل سازمان داد. سلاح باورمندان اقدام‌گر در سیاهکل، تنها این فکر و آن روحیه نروژا بود.

پس از خوش آمدگویی، مجری به رفا و دوستان حضورشان در جشن بزرگداشت روز حماسی ۱۹ بهمن، روز گرامی داشت حماسه‌ها و قهرمانی‌ها و روز پاس‌داشت دستاوردهای بالنده راه طی شده را خوش آمد گوید.

«برنامه را با ترانه سرودی به صدای رهبر جان‌باخته سازمان، فدائی کبیر، رفیق حمید اشرف دنبال

غوغاری در تاریخ

حشمت رئیسی

فلسفه تاریخ در بین نویسندگان متعدد تاریخ انقلاب و خاطره‌نویسان این دوره، روی هم رفته آن توجهی را که در خور بررسی پدیده‌های اجتماعی است دریافت نداشته، خواه بنام رویدادهایی در تاریخ اندیشه‌ها و خواه بنام اندیشه‌هایی که در رویدادهای تاریخی اثر مثبت و منفی به جای گذاشته‌اند. اغلب این نویسندگان که در حوادث انقلاب به درجات مختلف دارای موقعیت و مقام بوده در صف موافق و مخالف انقلاب اثرات مثبت و منفی بر جای گذاشته‌اند، با خاطره‌نویسی و تاریخ‌نگاری خود، خوانندگان را چندان آگاه نمی‌کنند. اغلب می‌گویند که با آینده آمیزه کردن نقش خود در حوادث تاریخ معاصر نام نیکویی در پیشگاه تاریخ از خود بیادگار بگذارند.

نوعی بی‌اعتقادی و بی‌اعتدای غریزی نسبت به ریشه‌ها، امور اجتماعی و توده مردم که شاید نشانه «حقه‌بازی» و یا سطحی‌نگری نویسندگان هم نباشد، سبب شد که به جبریت تاریخ با بی‌مهری برخورد شود. این نویسندگان از برگ‌های درختی که به نام انقلاب روئید و البته بسیار زود پژمرده شد بیشتر شاد و یا قافیه می‌شوند. لذا توجه لازم را به ریشه‌ها و علل اصلی پیدایش و تکامل آن مبذول نمی‌دارند. از آنجا که فلسفه، بنا بدلائل تاریخی در کشور ما بسیار کم‌عمق و سطحی است و نمی‌توان مسائل اساسی را با دلایل عقلی حل کرد. همواره کوشش شده است که با کمک تاریخ‌نگاری این ضعف بزرگ پر شود و اندیشمندان ما کوشش کرده‌اند که به مدد تاریخ دلایل عقلانی برای تمام مسایل اجتماعی پیدا کنند. اما همانگونه که فلسفه و موسیقی و هنرهای تجسمی بنا بدلائل مذهبی یا سرکوب روبرو بوده است و نتوانسته است به ضرورت‌ها و نیازهای جامعه پاسخ گویند، فلسفه تاریخ و تاریخ‌نگاری هم به دلایل مذهبی و سیاسی در عقب‌ماندترین شکل خود در کشور ما باقی مانده است. و در بسیاری موارد هدف اصلی خود را گم کرده و در سطح خاطره‌نویسی و آن هم خاطراتی که در صدد توجیه عملکرد این پادشاه و یا آن راجل سیاسی درآمده است. و قتیکه فلسفه تاریخ تا این حد تنزل کند طبیعی است که مسایل اساسی تاریخ کشور ما بویژه تاریخ معاصر آن کماکان لاینحل باقی می‌ماند.

اختیار تاریخ‌نگاران قرار گیرد. تا به کمک اسناد و مدارک و اطلاعات لازم به بررسی مسایل مغرب و پیچیده تاریخ کشورمان برآیم.

آیا این سکوت اتفاقی و تصادفی است؟

علت این سکوت را در درجه اول بایستی در بافت سیاسی و اجتماعی ایران جستجو کرد. بیش از ۲۵ سال کشور ما توسط چند خانواده محدود کنترل می‌شد که اغلب به صورت آشکار و پنهان با قدرت‌های خارجی در پیوند ارتباط بودند. «به عنوان مثال خانواده‌های علم و قوام بر بخش بزرگی بر ایران تسلط داشتند، بدینسان می‌توان دریافت که سکوت این سیاستمداران که بر تمامی مسایل تولید و ثروت ملی چنگ انداخته و مردم را در بی‌اطلاعی کامل نگه می‌داشتند، در حقیقت تضمینی برای قدرت حکومت و تداوم چپاول و غارت از ثروت ملی بوده است. این سکوت تا جایی تداوم می‌یافت که حتی قراردادها و تنگین و اسارت‌ها که توسط هیئت حاکمه با قدرت‌های خارجی بسته می‌شد و در برخی از آنها حتی حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور پایمال می‌گشت، در پرده ابهام باقی می‌ماند.

تاریخ‌نگاری در کشور ما تاکنون به طور همه جانبه نشان نداد که چه روابطی در چه زمانهایی میان نیروهای اجتماعی برقرار و چه نیروهایی محرک و منشا اصلی تقدیر کشور ما بوده است. هم چنین نقش عوامل خارجی در سیر حوادث و رویدادها چه میزان بوده و با کدامین وسایل و ابزار این تأثیرات صورت می‌گرفت و دامنه و ابعاد این تأثیرات تا چه مقدار وسیع و عمیق بوده است.

به طور مثال تاکنون روشن نشده است که نقش ژنرال هایزر و سفیر دولت آمریکا در حوادث انقلاب که فراتر از دولت رسمی و بی‌اندک یک دولت قدرتمند اما نامرئی عمل کردند چگونه بود که میزان انقلاب تاکنون سکوت کردند و خاطره‌نویسان هم که باز چه دست آنان بودند تنها به مطالبی بسیار فرعی که نقش آنان را توجیه کرده است اکتفاء نموده‌اند.

چرا اغلب این خاطره‌نویسان کپه می‌کوشند به نیازهای تاریخ‌نگاری پاسخ دهند. تلاش دارند این ذهنیت را ایجاد کنند که تو دها قدرت مطلقه را دوست دارند و می‌خواهند دستی را که با کمال بی‌رحمی نان را از چنگ آنها می‌رباید و امنیت را تأمین می‌نماید ستایش می‌کنند. و جشنشان در برابر قدر چنان کور می‌شود که دریافته‌شان را از برابری به برابری در حد مست تنزل می‌دهد؟

تاریخ‌نگاری کشور ما روشن نمی‌کند، چرا ملتی که این همه به خاطر آزادی مبارزه کرده است، کسرت از بسیاری از ملت‌ها معنی آزادی را درک کرده و از آزادی بهره گرفته است. هر یار که آزادی را در اثر مبارزات خود بدست آورد، کوشید تا آن را در خیابان‌ها و دادگاه‌های صحرايي به کرسی بنشاند؟ این سوال نیز پاسخ شایسته‌ای دریافت نکرده که چرا ایرانیان که در زندگی اجتماعی خود از مادی‌ترین مردمان مردمان جهان به نظر می‌رسند هر بار که حرکت سیاسی خود را آغاز کرده‌اند با انتزاعی‌ترین شعارها و اغلب بابالباس

بر تاریخ سیاسی و اجتماعی کشور ما، تا پیش از انقلاب نوعی سکوت مرموز سایه افکنده بود و اسناد تمام وزارتخانه‌ها نه تنها در اختیار تاریخ‌نگاران قرار نمی‌گرفت، بلکه حتی خواص و نزدیکان حکومتی هم بدان دسترسی نداشتند و یا اگر بنا به موقعیت شغلی به برخی از آنها دسترسی می‌یافتند، اجازه استفاده از آنها را برای بررسی تاریخی بدست نمی‌آوردند. لذا می‌توان گفت که تا پیش از انقلاب هیچ کتابی وجود ندارد که یک بررسی همه‌جانبه و متکی بر اطلاعات از جنبه‌های مختلف تاریخ معاصر ارائه دهد. در معدود کتابهایی که سیاستمداران و تاریخ‌نگاران گذشته (طی دوپست و پنجاه سال گذشته تا زمان وقوع انقلاب) انتشار داده‌اند. اساسی‌ترین مسایل جامعه تماماً بدست فراموشی سپرده شده است. به علت همکاری تنگاتنگ سیاست و دیانت در مسایل گذشته حتی انقلاب این امکان را فراهم ساخت که آرشو وزارتخانه‌ها در

جایزه حقوق بشر برای یک زن محقق ایرانی

والدینش هم خبری نمی‌دهند. اما حتی اگر به سن ۱۸ برسد، تا وقتی اجازه پدرش را نکرده است، نمی‌تواند درخواست دریافت گذرنامه کند».

در این گزارش آمده است عبادی که اخیراً از یک زندان کودکان دیدن کرده است، وضع آنجا را بسیار وحشتناک توصیف می‌کند. به گفته عبادی، در این زندان دختران ۱۰-۱۱ ساله‌ای هستند که اتهامشان روسپی‌گری است اما حتی یک نوشته هم در مورد این اتهام آنها وجود ندارد. در یک سلول، ۶-۷ دختر نگهداری می‌شوند که تنها اتهامشان، زندگی در خیابان است.

به نوشته واشنگتن پست، عبادی چند سال پیش کتابی درباره کار کودکان نوشته است. در آن، قوانین ایران و جهان در این زمینه، مورد بحث قرار گرفته است و خواست وضع قوانینی برای حفظ بهتر حقوق کودکان مطرح شده است. او می‌گوید که چهار سال بعد، قانونی وضع شد که ۹۰ درصد پیشنهادهای او را در بر می‌گرفت.

عبادی اخیراً کتابی در مورد تعهدات بین‌المللی ایران در زمینه حقوق بشر نوشته است. موضوع این کتاب، تناقض بین قوانین کشور و قراردادهای بین‌المللی امضا شده از سوی ایران است. در این کتاب همچنین به برخی عملکردهای مسئولان ایرانی اشاره شده که عبادی، آنها را نقض حقوق بشر و مغایر با قانون اساسی ایران می‌داند.

واشنگتن پست به فعالیت مطبوعاتی خانم عبادی در همین زمینه‌ها در ماهنامه «جامعه سالم» اشاره می‌کند و می‌افزاید «سازمان دیده‌بان حقوق بشر» به خاطر همین فعالیت‌ها در ۸ سال اخیر، به خانم عبادی جایزه داده است. خانم عبادی برای سفر به آمریکا ناچار شد به آمستردام سفر کند و در آنجا منتظر ویزا بماند، چرا که با مقررات جدید صدور ویزا اتباع ایرانی قبل از صدور ویزا، تحقیقاتی ۳-۴ هفته‌ای به عمل آید. وقتی خانم عبادی وارد فرودگاه جان اف کندی نیویورک شد، او را به

خانم شیرین عبادی، حقوقدان و پژوهشگر ایرانی، از سوی «سازمان دیده‌بان حقوق بشر» در آمریکا مورد تقدیر قرار گرفت. عبادی که اواخر سال گذشته میلادی برای دریافت این جایزه به آمریکا مسافرت کرد، در مطبوعات این کشور به عنوان «اولین و آخرین قاضی زن ایرانی» معرفی شده است. روزنامه واشنگتن پست درباره عبادی نوشت وی در سال ۱۹۷۴ به عنوان نخستین قاضی زن در دادگاه تهران آغاز به کار کرد. بلافاصله پس از انقلاب، او به بخش اداری وزارت دادگستری منتقل شد و در سال ۱۹۸۴ ترجیح داد تا بازنشسته شود. خانم عبادی اکنون در دفتر حقوقی خود در تهران فعالیت می‌کند و همچنین به کار تحقیقاتی مشغول است. او ۹ کتاب و ۶۰ مقاله نوشته است. واشنگتن پست از قول عبادی می‌نویسد: «در قانون اساسی ما، حق قضاوت تنها برای مردان تضمین شده است. من به عنوان زن، در ایران محدودیتی برای کار به عنوان وکیل ندارم، اما قوانینی که با آن سر و کار داریم ناعادلانه است. وقتی زنی که از شوهرش طلاق گرفته و حق سرپرستی از فرزندانش را به شوهر او داده‌اند، نزد من می‌آید، نمی‌توانم به او کمکی کنم چرا که این، قانون است. تنها کاری که می‌توانم انجام دهم این است که به حال او گریه کنم».

این روزنامه آمریکایی می‌افزاید با این حال عبادی، زندگی کنونی خود را پر معنا تر از گذشته می‌داند. عبادی می‌گوید: «امروز من علیه آنچه در ایران می‌گذرد، مبارزه می‌کنم. امیدوارم کاری که می‌کنم، چیزی را تغییر دهد. اگر این امید را نداشته‌ام، نمی‌توانستم کار کنم».

واشنگتن پست می‌نویسد یکی از مسائلی که عبادی به آن توجه دارد، حقوق کودکان است، از جمله این مسئله که دختران از ۹ سالگی می‌توانند تحت پیگرد کیفری قرار گیرند، در حالی که این سن در مورد پسران، ۱۵ سالگی است. این گزارش از قول عبادی می‌نویسد: «اگر دختر ۹ ساله‌ای در مظان اتهام دزدی قرار گیرد او را به زندان می‌اندازند و به

«شعر» زیر را یکی از خوانندگان کار همراه با یک یادداشت برای ما فرستاده است. وی در این یادداشت نوشته است: با خواندن «طنز» آقای هادی خرسندی در کیهان (لندن) مورخ ۱۸ بهمن (۶ فوریه) به صرافت افتادم که چند «بیتی» در باره آن بنویسم که حاصل آن «شعری» شده است که می‌خوانید.

دسته گل خرسندی

بسه لندن سرا داشت طنزآوری
که هادی خرسندی‌اش خواندنی
تسه هفتمه پیوسته طنز باز بود
بسه کیهان لندن زبان باز بود
بسه عهد محمدرضایی در ایران بودی
کم و بیش در زمره سربراهان بودی
سرسر مشگل برق و آب و آگسو
همی نقدها کرد چون قهرمان جنود
سری سیز و جانی پر از ناز داشت
ز سانسور و تادیب زنهار داشت
گلیش بفهمی بفهمی کم ابعاد بود
ز اوضاع هستی دلش شاد بود
ولاکن بیامد یکی تندبادی مهیب
که کس از عتابش نشد بی‌نصیب
خمینی هم او را جلودار بود
که دلسته‌ی کشت و کشتار بود
زبان‌ها و دل‌ها یکی خواستی
جمیعا به فرمانبری خواستی
چنان اسب بسیداد بسرتاختی
که لنگ از کشف پهلوها بیانداختی
امان از «جریده روان» نیز بگرفته شد
که تنها ره هجر و تبعید بگزیده شد
چو «هادی» به ملک فرنگ آمدی
به جنگ ملک بسی درنگ آمدی
تو گویی که جنگاور از ام بسزاد
به میدان درآمد پر از بانگ و داد
نشستی همی طنزهای درشت
بسه سیمای ملام بکوبید مشت
سر خمامه گهگاه کج کرد وی
نشوایی بد آهنگ سرکرد وی
بسی یاس و یاسین بهم درنوشت
که «کیهانیان» را گوارا چو آب زرشک
از این دسته گل‌ها یکی هم اخیر
رها کرد هادی به حوض «وزیر»
سر «اکثریت» بسی غریبزد
سراسر سر سیم آخر بزد
میان قم و «کار» پل برکشید
بسی شربت شایعه سرکشید
ز نزدیک کسار و منتظری
سخن گفت از هر حقیقت‌بری
ستایش همی کرد «بهرام» گمنام را
به پانزده کرورش زدی جام بر جام را
بهدادی یکی حکم و فتوای خام
که شادی به میلاد باشد حرام
فداییی بسباید که نالان شود
به میلاد خود سوگواران شود
خلاق همه در شگفتی شدند
ز گفتار هادی به مانی شدند
ولیکن دبیر «وزیر» و عزیز و تمیز
که هذیان هادی به گامش بود چون سوز
همان سان که از قول میرفندرسکی به جهل
سیه‌کل به چنین مرتبط داشت با تیرز جعل
به هادی بسی آفرین‌ها بگفت
براش تیرزد بباب برگ نیست
که یعنی از این پس همین سان بگو
ز «کسار» و «فداییی» پریشان بگو
بسیامیز سیر و پیاز را به هم
سرمه تما «خطبه‌هایی» به هم
که شاید زبان در نیام آوردند
از آن پهلوئی نیک یاد آوردند
در «اوصاف» میربنج با ما شوند هم‌صدا
به نسیان سپارد بیداد و جور و جفا
ز «دروازه‌های بزرگ تمدن» نگویند بد
ز مرداد و بیداد و حزب یگانه نمانند
چو خرسندی این حرف‌ها را شنید
بسرآورد آهسی و دم درکشید
که یعنی نه من مرد این جاده‌ام
.....
میرزا قاسم هادوی

تازه‌های کتاب

بقیه از صفحه ۶

تاکامی‌های فلسفه‌ی مارکسیستی و چگونگی نوسازی آن، فلسفه‌ی اصالت‌وجود، پوزیتیویسم منطقی، فلسفه‌ی تحلیل زبان، فلسفه‌ی علم، فلسفه‌ی سیاست، فلسفه و ادبیات، متن اجتماعی فلسفه و ... آشنا می‌شویم. بخش پایانی این کتاب را در واقع مترجم برای آن که خواننده با مباحث فلسفی غرب در حوزه‌های غیرانگلیسی و غیرآمریکایی هم آشنا شود از یکی دیگر از کتاب‌های برای من مگی به نام «فلسفه‌ی تاریخ بریتانیا» ترجمه و به کتاب مزبور افزوده است.

در کنار ارزیابی کتاب «مردان اندیشه» نباید ناگفته گذاشت که مباحث و گفتگوهای آن عمدتاً به دو دهه‌ی پیش برمی‌گردند و مباحثی هم چون رُست مدرنیسم، فمینیسم، ساختارگرایی، محیط‌زیست‌گرایی و سایر مباحث مربوط به دو دهه‌ی اخیر در آن طرح و بررسی نشده‌اند. علاوه بر این مگی در این کتاب همه‌جا گفتگویی نقاد و تیزبین و تحریک کننده نیست. برای مثال وی هنگامی که با چارلز تایلر و مارکوز در درباره‌ی مارکس و مارکسیسم به بحث می‌نشیند پرسش‌گری تند و بی‌پروا و ناقد است، اما در بحث و گفتگو بر سر هایدگر و با برخی دیگر از اصحاب فلسفه‌ی معاصر بیشتر شونده است و پامنبری می‌کند. این نکات اما در قیاس با ارزش‌های روشن‌گرانه‌ی کتاب «مردان اندیشه» و نیز کتاب «فلاسفه بزرگ» چندان اساسی نیستند و از ارزش این دو کتاب در مجموعه‌ی نه چندان غنی تألیف‌ها و ترجمه‌های موجود به زبان فارسی نمی‌کاهد، به ویژه آن که ترجمه‌ی شیوا و روان عزت‌الله فولادوند آن‌ها را برای هر علاقمندی به مباحث فلسفی جذاب و گیرا می‌کند.

اتاقی برندند که در آن سه نفر را با دستبند به یک نیمکت بسته بودند. بدون اینکه علت را به خانم عبادی بگویند، از او عکس فوری گرفتند و انگشت‌نگاری کردند. خانم عبادی در مصاحبه‌های خود در آمریکا خطاب به آمریکایی‌ها گفته است: «با من نه بر مبنای آنچه حکومت ایران کرده است، بلکه مطابق با تمدن ۶ هزار ساله ما رفتار کنید».

انتشار نشریه «طرحی نو»

ماه گذشته اولین شماره نشریه «طرحی نو» ناشر افکار «شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران» انتشار یافت. این شورا از بخشی از فعالین و کادرهای جنبش چپ منجمده تعدادی از فعالان جنبش دانشجویی در خارج از کشور در سالهای قبل از انقلاب تشکیل گردیده است. در اولین شماره این نشریه مطالبی از محمود راسخ انشار، مسجد زربخش، منوچهر صالحی، کامیوز روستا و شیدان وثیق منتشر گردیده است.

در مقاله‌ای تحت عنوان «چرا این نشریه»، آمده است: «کسانی که پس از ماهها گفتگو و مذاکره با یکدیگر، به این نتیجه رسیدند که باید در جهت ایجاد یک سازمان سوسیالیستی چپ، دست به اقدامی مشترک زد و به همین دلیل با همکاری یکدیگر «شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران» را بوجود آوردند، از همان آغاز بر این امر آگاه بودند که تنها زمانی می‌توانند در تحقق این ضرورت موفقیت بدست آورند، هرگاه که «شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران» بتواند از طریق نشریه‌ای وابسته به خود، تحلیل‌های خود را از وضعیت کنونی جنبش چپ در جهان و ایران، برداشت‌های سیاسی خود را از تحولاتی که در ایران و دیگر مناطق جهان روی می‌دهد و نیز راه‌حل‌های خویش را برای از میان برداشتن کاستی‌ها و بن‌بست‌هایی که جامعه کنونی ایران در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... با آن روبروست، به اطلاع افکار عمومی برساند و میان خود و چند میلیون

موضوع آرمان سوسیالیستی و جنبش سوسیالیستی رهایی واقعی انسان از طریق دگرگونی مناسبات استثمار سرمایه‌داری است. این امر ولی تنها از طریق مبارزه مستقیم خود طبقه‌های تحت ستم و استثمار، از طریق جنبش این طبقات و به عبارت دیگر از طریق جنبش اجتماعی است که می‌تواند تحقق یابد.

۲ - سازمان‌های چپ سوسیالیستی در عین ستمگیری قاطع و پیگیر در جهت منافع زحمتکشان و قشرهای محروم جامعه و مبارزه برای تقسیم عادلانه ثروت اجتماعی باید همواره به شرایط عینی و اجتماعی موجود و الزامات رشد اقتصادی کشور توجه جدی مبذول دارند.

۳ - سازمان‌های سوسیالیستی چپ وظیفه دارند همراه با نقد مناسبات سرمایه‌داری و نشان دادن تناقضات درونی و ماهیت استثمار این نظام در محدوده روابط سرمایه‌داری نیز در راه بهبود شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و نهادهای صنفی و دمکراتیک در اشکال گوناگون آن پشتیبانی کرده آن را تبلیغ و ترویج نمایند.

۴ - معضل تائکونی چپ و زمینه بسیاری از تراژدی‌ها، درک نادرست از رابطه دیالکتیکی میان جنبش سوسیالیستی، حرکت عملی - تجربی واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان و شرایط مادی و عینی حاکم بر جامعه بوده است. آنچه نهایتاً می‌تواند به براندازی سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم بیانجامد، حرکت عملی - تجربی واقعی خود طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش در شرایط مادی لازم و ذهنی مناسب است و نه کوشش اراده‌گرایانه عده‌ای نیک‌نیتان برای متوقف ساختن آرمان‌ها و اندیشه‌های والای انسانی.

۵ - اساسی که سازمان‌های سوسیالیستی باید بر مبنای آن ایجاد گردند، نه وحدت ایدئولوژیک و تئوریک، آنگونه که در احزاب سنتی رایج بوده است، بلکه توافق بر روی اهداف سیاسی و اجتماعی، توافق بر روی برنامه سیاسی است. مسئله مرکزی برنامه، چگونگی ساختار و شکل قدرت سیاسی (دولت) و مناسبات اقتصادی بلاواسطه آینده است. برنامه سازمان‌های

سازمان حذف کند. ضرورت این تغییر از آن رو بود که سازمان از سالها پیش مشی چریکی را کنار نهاده بود و بیش از پیش به اشکال مبارزاتی مختص کارگران روی آورده بود و از سوی دیگر با گرایش‌های عموم خلقی در ایدئولوژی و سیاست، مرزبندی کرده بود، لذا می‌بایستی واژه‌های چریک و خلق که مربوط به گذشته سازمان، خط مشی معین و انحرافات معینی بود کنار نهاده شوند. کنفرانس سازمان پس از بحث‌های مفصل در این مورد، سرانجام نامی را که مورد تصویب قرار داد، سازمان فدائیان (اقلیت) بود و چنین مقرر داشت که سازمان ما از این پس با نام سازمان فدائیان (اقلیت) به فعالیت و مبارزه خود ادامه دهد. بر مبنای این تصمیم، آرم جدیدی نیز جایگزین آرم قبلی سازمان خواهد شد.

بنابه اطلاعیه سازمان فدائیان (اقلیت) ششمین کنفرانس این سازمان در دیماه برگزار گردید. در گزارش ارائه شده به کنگره که مورد تصویب قرار گرفت، آمده است: «تحول اوضاع اقتصادی و سیاسی در ایران نشان می‌دهد که شرایط پیش از هر زمان دیگر برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی فراهم می‌گردد و وظیفه سازمان ما و تمام جریانات انقلابی است که متحداً برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان تلاش کنند»

در ادامه مصوبات کنفرانس آمده است: «کنفرانس با توجه به خط مشی ایدئولوژیک - سیاسی و خصلت طبقاتی سازمان، تصمیم گرفت که واژه‌های چریک و خلق را از نام سازمان حذف کند. ضرورت این تغییر از آن رو بود که سازمان از سالها پیش مشی چریکی را کنار نهاده بود و بیش از پیش به اشکال مبارزاتی مختص کارگران روی آورده بود و از سوی دیگر با گرایش‌های عموم خلقی در ایدئولوژی و سیاست، مرزبندی کرده بود، لذا می‌بایستی واژه‌های چریک و خلق که مربوط به گذشته سازمان، خط مشی معین و انحرافات معینی بود کنار نهاده شوند. کنفرانس سازمان پس از بحث‌های مفصل در این مورد، سرانجام نامی را که مورد تصویب قرار داد، سازمان فدائیان (اقلیت) بود و چنین مقرر داشت که سازمان ما از این پس با نام سازمان فدائیان (اقلیت) به فعالیت و مبارزه خود ادامه دهد. بر مبنای این تصمیم، آرم جدیدی نیز جایگزین آرم قبلی سازمان خواهد شد.»

گردد. در این میزگرد با توجه به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در چند ماه آینده، نقش انتخابات آزاد در گذار به مردم‌سالاری و چگونگی برخورد «اپوزیسیون طرفدار حاکمیت ملی و جامعه باز» به انتخابات آینده مورد بحث و گفتگو قرار خواهد گرفت.

سوسیالیستی ایران نباید ردیف کردن یک سلسله از اصول و آرزوهای «خوب» بلکه واقع‌بینانه باشد.

۶ - مبارزه برای سوسیالیسم و در این راه مبارزه برای استقرار و گسترش آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی همواره در مرکز وظایف و فعالیت سازمان‌های سوسیالیستی در جامعه‌های سرمایه‌داری قرار دارد.

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی مانع اصلی هرگونه آزادی و پیشرفت اجتماعی است، مبارزه برای آزادی و دمکراسی در این مرحله قبل از هر چیز به معنای مبارزه برای سرنگونی این رژیم است.

۷ - استقرار، استمرار و گسترش دمکراسی در ایران با شکل قدرت دولتی و ساختار سیاسی - اجتماعی ایران پیوندی تفکیک‌ناپذیر دارد. وجود دولت مقتدر مرکزی و تمرکز قدرت و امکانات اقتصادی در دست آن، یکی از زمینه‌ها و عامل‌های اساسی شکل‌گیری استبداد و دیوانسالاری استبدادی از یکسو و رشد ناهماهنگ اقتصادی مناطق مختلف کشور از سوی دیگر بوده است.

بنابراین تغییر ساختار و شکل تمرکز دولت به دولتی بر اساس عدم تمرکز، اصل خودمختاری یا خودگردانی، یکی از شرایط اساسی برای استقرار استمرار دمکراسی، تحکیم همبستگی و همزیستی ملیت‌های مختلف و رشد و پیشرفت در ایران است.

۸ - سازمان سوسیالیستی چپ، مناسبات آزاد و دمکراتیکی را که مدعی است برای استقرار آنها در جامعه مبارزه می‌کند، پیش از هر چیز باید در درون خود اعمال نماید. بنابراین روابط درونی آن باید بر نفی ساختارها و مناسبات بوروکراتیک حزبی در گذشته و بر مبنای دمکراتیک سازمان داده شود

انتشار کتاب تاریخچه پیدایش سندیکاها در ایران

کتاب «تاریخچه پیدایش سندیکاها در ایران» اثر رضا روستا توسط کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران، چاپ و منتشر شد. این کتاب ۱۵۰ صفحه‌ای، شامل یک پیشگفتار و پنج فصل «تاریخچه پیدایش سندیکاها در ایران»، شرح حال سه تن از رهبران جنبش کارگری، مختصری در باره پیدایش اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌بندی اتحادیه‌ها و وظایف سازمانی و اجتماعی آنها و مختصری در باره هدف و مرام اتحادیه‌های کارگری» می‌باشد. در بخش نخستین کتاب، تاریخچه پیدایش سندیکاها در ایران از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۲۴ بررسی شده است. چگونگی ایجاد نخستین سندیکاها و برپایی اولین

کمک‌های مالی
- کمک مالی به خانواده شهید و زندانیان سیاسی (جمع آوری شده در جشن ۲۶مین سالگرد سازمان در سوئد) ۲۰۲۰۰۰ کرون
- محسن ۲۰۰۰ کرون
- ۴۰۰ از یوتیوبی ۱۵۰ کرون
- سین ۱۰۰ کرون
- کمک نوروزی به خانواده شهید ۵۰۰ کرون
- جمعی از زنان ایرانی مقیم اتریش ۳۰۰۰۰ مارک

نامه مشترک

۱۹ کانون و انجمن دمکراتیک طی نامه‌ای به موریس کاپیتورن، نسبت به دستگیری فرج سرکوهی و اعمال فشار بر نویسندگان ایران اعتراض کرده و از کلیه سازمانهای حقوق بشر و مردم آزادخواه جهان خواسته‌اند که: «بسیج یک کارزار تبلیغاتی بین‌المللی برای تشکیل یک کمیته نظارت در جهت رسیدن به اهداف ذیل همت گمارند: ۱- با فشار بر مقامات عالی‌رتبه دولت ایران، خبر صحت سلامت و محل زندان دستگیرشدگان را طلب کنند. ۲- اجساز، ملاقات به اعضای خانواده، خویشاوندان و دوستان دستگیرشدگان اخیر داده شده و در انتخاب وکیل مدافع آزاد باشند. ۳- از دولت جمهوری اسلامی طلب شود که با اتهامات خود را، در صورت وجود اتهامی علیه زندانیان سیاسی، در چارچوب یک محاکمه علنی و قابل دسترسی به یک کمیسیون بین‌المللی، که شامل نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل مربوط به ایران، عالیجناب موریس کاپیتورن باشد بطور رسمی اعلام کند. ۴- در اسرع وقت و بدون شرط و شروطی آقای سرکوهی و یارانش را آزاد سازد. بعلاوه هرگونه محدودیت حقوقی بر مسافرت او به خارج از کشور ملغی گردد».

سازمانهای امضاکننده:
کانون دفاع از دمکراسی در ایران - نیویورک، کانون ایرانیان دمکرات - شیکاگو، کانون دمکراتیک ایرانیان در دالاس - تکراس، کمیته ایرانیان برای دفاع از حقوق بشر در ایران، تورنتو - کانادا، کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی - پاریس، انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران - پاریس، گروه فرهنگی راه آورد، آخن - آلمان، کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران، سیدنی - استرالیا، کانون دفاع از دمکراسی در ایران، مالمو - سوئد، انجمن دمکراتیک ایرانیان، مالمو - سوئد، انجمن ایرانیان مقیم یوله - سوئد، تلاشگران جامعه باز - فرانکفورت، جامعه ایرانیان دمکرات - کلن - آلمان، کمیته دفاع از زندانیان عقیدتی، امیرانتظام، واشنگتن - آمریکا، کانون نویسندگان در تبعید - آمریکا، نشریه هفتگی شهروند، تورنتو - کانادا، جمعیت دفاع از جبهه جمهوری و دمکراسی (بلیزیک)، بنیاد ایرانی دفاع از حقوق بشر، شمال کالیفرنیا - آمریکا، انجمن نویسندگان ایرانی در کانادا

تحصن در هانوفر

بنا به اطلاعیه منتشره از طرف «کمیته دفاع از آزادی اندیشه، قلم و بیان و اجتماعات در ایران - هانور»، از روز سه‌شنبه ۱۸ فوریه جمعی از ایرانیان مقیم شهر هانوفر در دفاع از آزادی اندیشه، قلم و بیان و در اعتراض به دستگیری و شکنجه فرج سرکوهی و دیگر نویسندگان در تبعید و در اعتراض به سیاست‌های ضدانسانی و تروریستی رژیم جمهوری اسلامی دست به تحصن زدند. در این اطلاعیه از هم‌مینهان و آزاداندیشان خواسته شده است تا با حضور در محل تحصن را یاری رسانند.

از سوی ارگان‌ها و واحدهای سازمان‌های مختلف سیاسی از جمله سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر) و ... پیام‌های همبستگی برای تحصن‌کنندگان در شهر هانوفر - آلمان ارسال شده است.

گردهمایی همبستگی

روز ۲۲ فوریه برای سومین هفته پیاپی تظاهرات همبستگی باقربانیان سرکوب و اختناق در ایران در شهر بن برگزار گردید. در این تظاهرات که به دعوت کانون دفاع از زندانیان سیاسی ایران - آخن، جمعیت دفاع از آزادی ایران - بن، جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن برگزار گردید تظاهرکنندگان خواستار آزادی دستگیرشدگان تظاهرات هفته قبل کارکنان پالایشگاه تهران، فرج سرکوهی، عباس امیرانتظام و همچنین سایر زندانیان سیاسی ایران گردیدند.

تظاهرات اعتراضی در بن

در روز شنبه ۸ فوریه به دعوت کانون نویسندگان ایران در تبعید در اعتراض به دستگیری فرج سرکوهی و اعمال فشار بر نویسندگان ایران تظاهراتی در مقابل کاخ نخست‌وزیری آلمان در بن با شرکت چند صدتن از هم‌مینهان آزادخواه برگزار شد. این برنامه توسط رضا علامه‌زاده افتتاح شد و آنگاه نعمت میرزازاده، (م. آرم) سخنرانی نمود و شعر خواند. در ادامه برنامه نسیم خاکسار گزارشی از وضعیت فرج سرکوهی ارائه داد و عباس معروفتی خطابه‌ای ایراد نمود. در این برنامه همچنین فریده زبرجدی (همسر فرج سرکوهی) در سخنرانی کوتاه خویش از شرکت‌کنندگان تشکر نمود.

تظاهرات اعتراضی در نوروز

روز چهارشنبه دوازدهم فوریه تظاهراتی در اعتراض به بازداشت فرج سرکوهی و وجود سانسور و اختناق توسط فعالین چپ ایرانی در اسلو برگزار گردید. شرکت‌کنندگان در این تظاهرات ضمن اعتراض به بازداشت سرکوهی، خواهان آزادی زندانیان سیاسی شدند. این تظاهرات در تعدادی از رسانه‌های گروهی نوروز منجمده تلویزیون دولتی این کشور منعکس گردید. همچنین فرهنگسرای ایران و نیروی طی نامه سرگشاده‌ای به کمیته بین‌المللی مجلس نوروز نگرانی خود را از دستگیری فرج سرکوهی ابراز کرده و ضمن تشکر از اقدامات دولت نوروز در این رابطه خواستار آن گردید که از هیچ کوششی برای آزادی و انتقال به یک کشور امن دریغ نکردد.

فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک: ()

مدت اشتراک: شش ماه یک سال

نام: _____ تاریخ: _____

آدرس: Name: _____ Address: _____

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست کنید!

بهای اشتراک "کار"

اروپا:

شش ماه - ۴۵ مارک
یک سال - ۹۰ مارک

سایر کشورها:

شش ماه - ۵۲ مارک
یک سال - ۱۰۴ مارک

GER.....3 DM

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

Verleger: I.G.e.v

دارنده حساب: I.G.e.v
شماره حساب: 22442032
کد بانک: 37050198
Stadtsparkasse Koeln
Germany

آدرس: I.G.e.v
Postfach 260268
50515 Koeln
Germany

شماره فاکس: 0049 - 221 - 3318290

هفته‌نامه آلمانی اشپگل در شماره هفته گذشته، مقاله قابل توجهی از پروفسور گرنوت روتر، استاد شرق‌شناسی معاصر در دانشگاه هامبورگ درباره رفتار جمهوری اسلامی با فرج سرکوهی به چاپ رسانده است که ترجمه آن را درج می‌کنیم.

آنها نخست فرج سرکوهی را فریب دادند، سپس آزادی این نویسنده را از او سلب کردند و با او در سیاهچال‌های خود به «مصاحبه» نشستند – چه واژه‌تراشی شمشزکننده‌ای برای شکنجه. و بیم آن نیز می‌رود که بن هم بی‌عمل ناظر ماجرا بماند.

یک انسان چقدر باید از ددمنشی‌های شکنجه‌گران یک رژیم در هراس باشد که خواستار مرگی سریع شود؟ این خواست را سرکوهی در نامه‌ای به شدت تکان‌دهنده، که حکم نوعی وصیت‌نامه خیطاب به همسر و فرزندانش را دارد نوشته است. دولت آلمان که پایش به این ماجرا کشیده شده است، تاکی می‌خواهد در این مورد سکوت کند؟ به نظر می‌رسد دولت قصد دارد به سکوت خود ادامه دهد.

سرکوهی، آخرین قربانی ملایان تهران خواهد بود. نظر به آنچه در سال‌های اخیر در نقض حقوق بشر در ایران گذشته است، تروریسم دولتی ادامه خواهد داشت. بر حسب تصادف، درست همان دین از بین ادیان سه‌گانه توحیدی که در تاریخ خود، متأثر از چنان مدارایی بود که باورمندان به این دین، به درستی به آن میاهات می‌کنند، اکنون برای یک رژیم نقش پوششی بر سبعت در حفظ قدرت را ایفا می‌کند. در احادیث، یعنی گفته‌ها و اعمال نقل شده محمد پیامبر، آمده است: «مسلمانان با یکدیگر برادرند، بر یکدیگر ناحق روا نمی‌دارند و از یاری به هم دریغ نمی‌کنند.» گفتار زیبایی که در ایران، و نیز در عربستان سعودی، نزدیک‌ترین دوست غرب در میان اعراب، به آن اعتنایی نمی‌شود.

عمل این دولت‌ها، نه تنها با مکتب محمد، بلکه با درک معاصر اسلامی از حقوق بشر نیز مغایر است. به عنوان نمونه، در اصل ۲۰ «باینه حقوق بشر سازمان کنفرانس اسلامی» (۱۹۹۰) آمده است: «هیچ کس حق ندارد فردی را مورد شکنجه جسمی یا روحی یا هرگونه رفتار تحقیرآمیز، خشونت‌بار و یا مغایر با حرمت انسانی قرار دهد.» اینکه تهران به این اصل واقعی نمی‌گذارد، نشانگر عمق ضعف نظامی است که خود را نظامی مذهبی تعریف می‌کند.

اسلام‌گرایان تهران، در سبعت گوی سبقت را از رژیم دنیوی شاه نیز ریزوده است. سرکوهی هشت سال را در زندان‌های محدرضا پهلوی به سر برد که در سال ۱۹۷۹ در انقلاب اسلامی سرنگون شد.

سرکوهی نیز مانند بسیاری دیگر از نویسندگانی که بیشتر در اردوی چپ می‌گنجیدند، امید داشت که حکومت ملایان، برای مردم آزادی‌های بیشتر و یا حتی دموکراسی به ارمغان آورد. از این رو، حتی غیرمذهبی‌هایی مانند سرکوهی نیز از انقلاب استقبال کردند. همه آنها به‌گونه‌ای دردناک فریب خوردند. سرکوهی در نامه خود که پنهانی از ایران بیرون آورده شده است، می‌نویسد که تمام هشت سال زندان در زمان شاه، آنقدر آزاردهنده نبوده‌اند که «تنها پنج دقیقه» از بازداشت ۴۷ روزه در اواخر سال ۱۹۹۶ در دوره ملایان.

بازی غیرانسانی با سرکوهی، حتی بیش از مجاری رشدی، چهره واقعی رژیم را نشان می‌دهد. تکثیر نویسنده انگلیسی توسط امام قرتوت، خمینی، غرب را به

فشار به جای گفتگو

پروفسور گرنوت روتر، استاد شرق‌شناسی معاصر دانشگاه هامبورگ

برگرفته از اشپگل ۱۷ فوریه ۱۹۹۷

کنند سرکوهی در زمانی که در سیاهچال‌های رژیم شکنجه می‌شد، در آلمان به سر می‌بُرد. چه پاسخ ریشخندآمیزی به این همه دوستی بن با تهران.

اما کلاوس کینکل باز هم از «گفتگوی انتقادی» دست نخواهد کشید. این اصطلاح هم یکی از آن واژه‌سازی‌های جدید است که می‌خواهند با آن هر چیز منفی را توجیه کنند و در این مورد حتی زد و بندهای اقتصادی را بپوشانند. این دیالوگ دیگر مونولوگ شده است. بن از این طریق به همدست سرویس مخفی ایران تبدیل شده است، سازمانی که دولت آلمان را مثل خرس به رقص آورده است.

«گفتگو»، از جمله گفتگوی انتقادی، مستلزم آن است که طرف مقابل حداقل برخی از استدلال‌های مطرح شده را بپذیرد و مواضع خود را تغییر دهد. اما تهران چنین نمی‌کند. حتی بردباری طرفداران بسیار اغماض‌گر ایران مانند آن ماری شیمل شرق‌شناس، که با تکثیر رشدی نیز تاحدی ابراز تافهم کرده بود، با ناپدید شدن سرکوهی به سر رسیده است. این متخصص امور ایران که در کتب متعدد از تفاهم میان اسلام و مسیحیت دفاع کرده و بدین خاطر، جایزه صلح کتابفروشان آلمان را دریافت کرده است، امضای خود را پای یک نامه سرگشاده دسته‌جمعی به دولت آلمان گذاشته است که در آن از دولت خواسته شده است برای نجات جان سرکوهی به تهران فشار وارد آورد.

این باید برای ملایان عبرت‌انگیز باشد که حتی دوستی مانند شیمل که تا کنون می‌گذاشته است که حکومت ایران آن قدر از او تجلیل کند، در اینکه تهران با استدلال قانع شود، شک دارد. با این حال حتی اگر بن وارد عمل شود – ابزارهای دیپلماتیک، یا یادداشت اعتراض سفير آلمان تا اخراج افراد معینی از دیپلمات‌های ایرانی و حتی قطع رسمی روابط را در بر می‌گیرد – نظر به خشونت و نخوت رژیم ایران، بیم آن می‌رود که همه اعتراض‌ها نیز کاری از پیش نبرد. اما همین برداشت بدبینانه نباید مانع آن شود که دولت آلمان در تفهیم موضوع به ملایان، تا حد قطع مناسبات اقتصادی که برای آنها دردناک‌تر است، پیش رود. حدود دو میلیارد مارک لطمه به صادرات آلمان، در مقایسه با تحقیرهایی که بن از جانب تهران تحمل می‌کند، و تلاش‌های مداوم رژیم برای به ریشخند گرفتن نظم حقوقی آلمان، بهای نسبتاً اندکی است.

این قبل از هر چیز تفاوت مسحوری در درک از دولت است که مانع از زدبندی است، چرا که بر خلاف غرب و اندیشه‌های مسلمانان روشنفکر، اسلام‌گرایان تهران و نیز سایر افراطیون در نقاط دیگر جهان اسلام، پافشاری می‌کنند که دین و دولت جدایی‌ناپذیرند. در چنین دولتی، خدا به صورت کلام نقل شده از پیامبر، یعنی قرآن، عالی‌ترین مرجع قدرت است. و انتهایی که به عنوان رهبران روحانی، مدعی انحصار در تفسیر کلام خداوند هستند، برانند که حق حکومت از آن آنهاست.

اسلام‌گرایان، مکاتب حقوقی غربی را به عنوان

می‌پذیرند از خود سوال می‌کنم هیران ما چه فکر می‌کنند. آنها البته زیاد درباره برنامه‌های خود صحبت نمی‌کنند. بغیر از حرفهای معمول بیهوده ناشی از ابزار شادمانی، در مقابل مردم ساکت هستند سکوت می‌کنند. یکی از دلایل می‌تواند این باشد تا زمانی که پروسه صلح، در مرکز قرار گرفتن PLO و رهبری آن را تضمین می‌کند، همه چیز مجاز است. رهبری که اینگونه توسط اسرائیل مورد فریب قرار می‌گیرد راهی بجز وعده‌دادن ندارد تا سوهربری خود را بپوشاند.

در این اواخر رهبری فلسطین با افرادی محاصره شده است که بر طبق میل او حرف می‌زنند و در فکر جمع‌آوری وسایل و ماشین شیک و خانه و غیره و یا سفرهای رسمی به کشورهای مختلف هستند یک روز در استیکلم روز دیگر در پارسی بعد در پکن و قاهره. که البته هیچکدام لازم نیست. سوم اینکه تاکتیکهایی بوجود آمده است که شرایط حقارت‌بار را می‌پذیرد برای اینکه روزی امتیازات بزرگی بگیرد. یا اینکه اسرائیلی‌ها چیزهایی را پس بدهند. چهارم اینکه این تفکر که بالاخره «سیاست چیز کیفی است» نقش بازی می‌کند. دشمن ما در حالی که تمام امتیازات را در دست خود دارد، برای ما چند چیز کوچک برت می‌کند.

شاید دلایل چند دیگری وجود داشته باشد ولی هیچکدام این را توضیح نمی‌دهد که چگونه خلق فلسطین وضعیتی را که هر روز بدتر می‌شود می‌پذیرد. در بین مشاوران عرفات زنان و مردان باهوشی وجود دارند برخی از آنها تاریخ طلوتی مبارزه سیاسی دارند. چرا آنها سکوت می‌کنند.

چرا با استعدادترین آنها حاضر شده‌انددر مقابل یکسری امتیازات مادی همکاری کنند. آنها می‌دانند و آشکارا گفته‌اند که اشتباهات عرفات در چند سال گذشته، فلسطینیها و عربها را به پایین ترین نقطه تاریخ خود سوق داده است. چرا سکوت – چرا همکاری آنها هیچ وظیفه‌ای در مقابل حقیقت و آرمانهای خلقی که بی‌حقوقی آنها را بسیار بیشتر از آنکه PLO بدست آورده است می‌شد تخفیف داد؛ نذارند؟ اکنون وزیر امور خارجه آمریکامادلین آلبریت و دنس روس پروسه صلح را به همان ترتیب ادامه می‌دهند. اکثر مردم در اروپا و آمریکا قانع شده‌اند که صلح وضعیت را در «منطقه» بهتر کرده است. و برای اولین بار در تاریخ می‌ساله، فلسطینی‌ها صلح بدست آورده‌اند.

سردرگمی فلسطینی‌ها دراین است که از یکطرف ما

اختراعات غیرمجاز بشری رد می‌کنند. هر کس که با دولت الهی مخالفت کند، از نظر اسلام‌گرایان، بر ضد خدا برمی‌خیزد. به او برچسب کافر می‌زنند و او را مورد پیگرد قرار می‌دهند. و اگر متهم، مسلمان باشد، اما با عقاید سیاسی خود به زعم رژیم ثابت کند که از اسلام برگشته است، حکم مرتد را دارد و جان او ارزشی ندارد. بدین ترتیب، حکام تهران راه ابوبکر، نخستین خلیفه را ادامه می‌دهند. ابوبکر اندکی پس از مرگ پیامبر، از اتهام ارتداد استفاده کرد تا توجیه مذهبی برای جنگ علیه قبایل شورش‌ی را بیابد.

این نشان‌دهنده وضعیت اسفبار جنبش موسوم به «اسلامی» است که درست در قرن بیستم که در آن اسلام در قبال غرب احساس حقارت می‌کند، اتهام ارتداد هر چه بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حالی که در دوره شکوفایی اسلام در قرون گذشته، جرم ارتداد محلی از اعراب نداشت. یکی از جملات مسحوری قرآن، این است: «لا اکراه فی‌الدین»، در دین، اجباری نیست (سوره دوم، آیه ۲۵۶). اندیشمندان و عالمان مذهبی لیبرال و اصلاح‌طلب مسلمان، این جمله را مبنای طرفداری خود از بردباری مذهبی قرار می‌دهند. اما اسلام‌گرایان رادیکال در حکومت ایران، به این آیه قرآن همانقدر بی‌اعتنایی می‌کنند که در مورد سرکوهی به قانون اساسی خود بی‌اعتنا هستند. این قانون اساسی، در اصل ۳۸ خود، به صراحت «هر شکل از شکنجه برای گرفتن اقرار یا اطلاعات» را ممنوع کرده است.

محمد سعید الاشماوی، منتقد مصری اسلام‌گرایی، که مؤکداً خواستار جدایی دین و دولت است، موضع سکولار خود را درست بر این فکر استوار می‌کند که سیاست، چیزی کثیف است. الاشماوی چنین استدلال می‌کند که هرگونه درهم‌آمیزی دین و سیاست الزاماً به الورده شدن دین می‌انجامد. با مجاری سرکوهی، حکومت ایران بدون اینکه خود بخواهد، ثابت می‌کند که این منتقد اسلام‌گرایی چقدر در انتقاد خود ذبیح است.

یک اصل مهم حقوقی اسلام این است که یکی از عالی‌ترین انگیزه‌های عمل، مصلحت مسلمانان است. اما نقض حقوق بشر توسط حکومت ایران و سایر جریانات و حکومت‌های اسلام‌گرای رادیکال، به شدیدترین وجه به مصلحت مسلمانان لطمه می‌زند. تهران، خود را به انزوا و اقتصاد ایران را که به قدر کافی ضعیف شده است، به ورشکستگی می‌کشاند – چیزی که به ضرر خود مردم ایران تمام می‌شود.

و برای اسلام نیز که انقلاب در تهران ظاهراً برای خدمت به آن به راه انداخته شد، رژیم چیزی جز ضرر به بار نمی‌آورد و به شدت آب به آسیاب افرادی مانند ساموئل هانتینگتون و طرفداران رو به ازدیاد این استاد دانشگاه هاروارد می‌ریزد. این محقق آمریکایی، می‌گوید اسلام «مرزهای خوئین» دارد. هانتینگتون با سخنان خود به استقبال «برخوردمدن‌ها» بین فرهنگ غربی و اسلامی می‌رود. این امر را بن باید به دوستان خود در تهران بسا اعمال قدرت سیاسی و اقتصادی بفهماند. به نفع خود آنهاست که بن چنین کند.

اما اگر دولت آلمان، به فریاد کمک سرکوهی اعتنایی نکند، بر افزایش جایزه برای سر رشدی اغماض نماید و «انتقاد» خود را به نامه‌های عاری از هرگونه تعهد و زیر خارجه محدود سازد، تهران کماکان از یک گفتگوی جدی سرباز خواهد زد و باز هم منتقدان رژیم ناپدید خواهند شد. برگردان:

می‌خواهیم نشان بدهیم که صلح می‌خواهیم و از طرف دیگراین «صلح» وضعیت همه ما غیر از تعداد محدودی تاجر، رؤسای امنیتی و مقامات خودمختار فلسطین را بدتر کرده است.

از شش ماه پیش رسانه‌های مهم آمریکای اروپا و روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون از داستانهای دیپلماسی، از مذاکرات، بن‌بست‌ها و قطع گفتگوها و غیره پر شده است. ولی هیچ ذکری از زندگی واقعی فلسطینی‌ها نیست. هیچ گزارشی در مورد هزاران دانشجوی غزه که نمی‌توانند به مدارس و دانشگاههایشان در کرانه غربی بازگردند چون از طرف اسرائیلی ممنوع شده است، نیست. درباره فلسطینی‌های زندانی، که هنوز در اسرائیل تا حد مرگ شکنجه میشوند، درباره مشکلات خانواده‌ها در غزه با یک پدر بیکار و ۸ فرزند گزارشی نیست. خوانندگان در اروپا و آمریکایی درباره فشارهایی که بطور مرتب و هر روز بر فلسطینی‌هایی وارد می‌شود که از خود در مقابل مهاجرین‌یهودی و ارتش اسرائیل فاع می‌کنند، نمی‌دانند و همچنین درباره نقاط کترلی که در کرانه غربی در دست اسرائیلی‌هاست و ورود به آن برای فلسطینی‌ها ممنوع می‌باشد. آنها درباره زندگی تحت رژیم تفرانگیز عرفات که کتاب، مجله و روزنامه یا ممنوع هستند و یا سانسور می‌شوند، چیزی نمی‌دانند. استفاده‌کنندگان رسانه‌های غربی کجا می‌توانند این را ببینند که اسرائیل فلسطینی‌ها را مجبور می‌کنند که این تقسیم غیر قابل تصور و جنایتکارانه تقسیم به مناطق A&B&C را بپذیرند. با این تقسیم اسرائیل می‌کند که حق حیات ملتی را مانع شود. همه اینها را که کنارهم بگذاریم و همچنین ناامیدی فلسطینی‌ها را در نظر بگیریم، وظیفه ما ایجاب می‌کند که واقعیت زندگی هر روز را تحت پروسه صلح بدون آرایش و با جزئیات تا حد امکان توضیح دهیم. ما باید به دنیا نشان دهیم که خلق ما تحت اشغال چه می‌کشد، ما باید از روند صلح که قرارداد الخلیل بی‌شک از تیرتترین نتایج آن است، گزارش دهیم. وضعیت کنونی نمی‌تواند ادامه پیدا کند. بی‌عدالتی گسترده برای فلسطینی‌ها، انظراف اسرائیلی‌ها با مهاجرین مهاجم و بنیادگرایان مذهبی باافسران خشن و رژیمی ناتوان و شهروندانی که از هرگونه تحرک خسته شده‌اند – این وضعیت ناپایدار است آنقدر ناپایدار که مذاکرات به سبک الخلیل دیگر نمی‌تواند پیش رود.

برگردان:

شهلا فرید

حق قدرتمندان

بقیه از صفحه ۱۲

اسرائیل و فلسطین به فرماندهی اسرائیل اداره می‌شود). عرفات احتمالاً امیدوار بودکه یک برنامه زمانی برای تخلیه منطقه C تعیین شود. منطقه C شامل ۲۳ درصد کرانه غربی (بغیر از بیت‌المقدس) است و تحت کنترل کامل اسرائیل باشد و تمامی شهرک های مهاجرنشین، راههای ارتباطی و مناطق نظامی رادر برمی‌گیرد. بجای همه اینها، رهبر فلسطینی‌ها بایستی با یک سری «پذیرش موارد» از طرف اسرائیلی‌ها راضی می‌شد که به هیچ وجه برای طرف مقابل اسرائیل پایبندی به اجرائی آن موارد را ایجاد نمی‌کند. این درست است که برای جابجایی از منطقه B برنامه زمانی تعیین شده است، اما این جابجایی ارتش به یکسال دیرتر موکول شد و مناطق از نظر جغرافیایی مشخص نشده‌اند.

همانطور که نیویورک تایمز در گزارش خود می‌نویسد: «این که چه مناطقی باید به فلسطینی‌ها واگذار شود کاملاً در اختیار و سنشش اسرائیل است» در قرارداد اسلو –۲ در واشنگتن نیز تعیین مرز جغرافیایی مناطق ویرنامه زمانی خروج اسرائیل حذف شده بود. عرفات به روشنی و با تمام نیرو در مقابل آن مقاومت کرد اما فشار آمریکایی‌ها او را به امضای قرارداد کشاند. مقاومت او مقابل امضای قرارداد الخلیل بایستی شکستهای قبلی او را جبران می‌کرد ولی این بار هم او ناکام ماند. تعجبی ندارد که او در مقابل تمام سئوالات خود را کنار کشید. این مسئله سری نیست که آمریکا به میانجی سیاست خاورمیانه‌ای خود یعنی دنیس روس و گروه او اختیار داده بود که عرفات را تحت فشار شدید قرار دهند. برای هیئت امریکایی پیشبرده سیاست اسرائیل که در مرکز آن حفظ استقرار مهاجرین مسلح بود از اعتماد هزاران فلسطینی که میانجی‌گری آمریکا را داوطلبانه قبول کرده بودند، مهم تر بود. و این نشان داد که آمریکا میانجی صادقی نیست. از آن گذشته بین نشان یا هو و روس وجه اشتراک مهمی در هدف استراتژیکی وجود داشت: هیچگاه نباید به مسئله خودمختاری واقعی فلسطینی حتی نزدیک شد.

واقعیت این است که برای فلسطینی‌ها امروز ۳/۵ سال بعد از شروع مذاکرات اسلو یک «خودمختاری» بدست آمده است و آن هم فقط در قسمت بسیار جزئی از کرانه غربی که

تنگ شیائوپینگ سیاستمدار برجسته چین درگذشت

۱۹ فوریه تنگ شیائوپینگ، که یوژیه در ۲۰ سال اخیر در سرنوشت سیاسی چین نقش تعیین‌کننده را ایفا کرده بود در ۹۲ سالگی درگذشت. در اطلاعاتی که حزب کمونیست چین در این مورد منتشر داد خاطر نشان کرد که «او یک رهبر عظیم و یک مارکسیست بزرگ و انقلابی پرولتری، یک استراتژیست نظامی و دیپلمات بود و یک کمونیست مبارز با تجربه و رهبر رفرفرم‌های سوسیالیستی در چین، طرفدار بازگشایی کشور و مدرنیزه کردن و طراح تئوری ساختمان سوسیالیسم با ویژگیهای خاص و چینی بود».

نام تنگ شیائوپینگ با تغییر از دوران «انقلاب فرهنگی» به دوران «رفرم و سیاست درهای باز»، از سیاست «افراطی سوسیالیسم دولتی» به «سوسیالیسم به روایت چین» پیوند خورده است.

تنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۰۴ در ایالت سچوان در جنوب غربی چین در یک خانواده مرفه زمیندار متولد شد. در ۱۶ سالگی به عنوان کارآموز به فرانسه رفت. او در فرانسه با افکار سوسیالیستی آشنا شد.

تنگ شیائوپینگ، توسط چون لای در سال ۱۹۲۴ به حزب کمونیست چین وارد شد و در اواسط دهه ۲۰ به شوری رفت تا در دانشگاه سون یاتسن به تحصیل بپردازد. او در سال ۱۹۲۶ به عنوان یک انقلابی حرفه‌ای به کشورش بازگشت. تنگ در سالهای طولانی انقلاب چین و در جنگ‌های پارتیزانی در کنار مائو قرار داشت و درکنگره حزب کمونیست چین در سال ۱۹۴۵ به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد و در تصفیه روشنفکران در سال ۱۹۵۷ از مائو حمایت کرد. تنگ در سالهای بعد از تز مائو با عنوان «با گامهای عظیم به سوی کمونیسم» فاصله گرفت و در کنار لیوشائوچی که مدل شوروی را ایده‌آیزه می‌کرد، قرار گرفت به همین خاطر در انقلاب فرهنگی بیهوشی به عنوان

دومین عامل اصلی بعد از لیوشائوچی مورد حمله قرار گرفت و از مسئولیت‌ها کنار گذاشته شد، «و کلاه بوقی» بر سر او گذاشته شد. اما دوستی دیرینه تنگ شیائوپینگ با چون لای زندگی او را نجات داد. مائو در سال ۱۹۷۳ بار دیگر او را به مسئولیت‌های مرکزی فراخواند و در امور اقتصادی به کار گرفت. در آن دوره جناح رادیکال چپ که حول همسر مائو شیائنگ شین گرد آمده بودند، و بعدها به «باند چهار نفره» معروف شدند، از دشمنان سرسخت او بودند. آنها معتقد بودند که او از خط اصلی مائو که بر اساس آن مبارزه طبقاتی در سوسیالیسم نیروی اصلی و مسلط باید باشد، منحرف شده است و تز معروف او را «گره چه سیاه

بار دیگر او را پایین کشیدند. اما مائو به او اجازه داد که درحزب بماند تا «بتوان رفتار او را تحت نظر گرفت» چند ماه بعد از مرگ مائو در سال ۱۹۷۶ «باند چهار نفره» با عملیات سریع السیر پلیس و ارتش کنار گذاشته شد و یک سال بعدتر تنگ شیائوپینگ در رهبری حزب قرار گرفت و رفرفرم را آغاز کرد. او کمونهای شهری را برچید، در کمون‌های دهقانی سیستم پرداخت اجباری به دولت را حذف کرد و بازار آزاد دهقانی را بوجود آورد که به رشد بیسابقه تولید محصولات کشاورزی انجامید. با اجرای این رفرفرم‌ها در جنوب چین مناطق ویژه کشاورزی با عناصر سیستم سرمایه‌داری شکل گرفت و کشور به



تنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۷۲ در جریان سفر به آمریکا

و چه سفید، مهم آن است که موش بگریه»، بیان‌کننده پراگماتیسم می‌دانستند، که برطبق آن مهم نیست که متخصص کمونیست باشد. در سال ۱۹۷۶ وقتی که گروه عظیمی از مردم در میدان تیان من سالگرد درگذشت چون لای را برگزار می‌کردند، «گروه چهارنفره» به یک تهاجم دست زده و

حق قدرتمندان

ادوارد سعید

برگرفته از هفته نامه آلمانی «دی تسایت»

مهاجم در مرکز یک شهر در واقع عربی مانده‌اند، بیش از همه بنیادگرایانی را شامل می‌شود که گلدشتیان و بعدتر نوام فریدمن در آنجا سکونت داده‌اند.

شهردار به من گفت «چنانچه بگذاریم مهاجرین یهودی در مرکز شهر بمانند، شهر تقسیم می‌شود و اسرائیلی‌ها نمونه الخلیل را در تمام شهرها تعمیم خواهند داد و بدین ترتیب سلطه شان را در تمام کرانه غربی مستحکم می‌کنند». حرفهای آنچه ناشنیده ماند و خود اسرائیلی‌ها نیز از امتیازات فراوانی که در این مذاکرات بدست آورده‌اند، متعجب گشتند.

فلسطینی‌ها در الخلیل فرمولی را برای «همزیستی» پذیرفتند به این ترتیب که ۴۵۰ یهودی تحت حمایت ارتش اسرائیل، ۲۰ درصد از بهترین مناطق تجاری را در اختیار داشته باشند در حالیکه ۱۶۰ هزار فلسطینی ساکن شهر باید به ۸۰ درصد بقیه راضی باشند، با قیود و شروطی که قسمت عربی شهر را در عمل به حاشیه قسمت اسرائیلی نشین تبدیل می‌کند.

زمانی رشد می‌کند که سطح زندگی به‌طور مرتب بالا رود. این امر می‌تواند مدت‌ها طول بکشد ولی خطرناک نیست، چرا که حزب کمونیست آن را کنترل می‌کند. او عقیده داشت که به ۴ عامل باید پایبند بود. پایبندی به مارکسیسم - لنینیسم، به ایده‌های مائو تسه‌تونگ، نقش رهبری کننده حزب در جامعه و به سوسیالیسم. تنگ عادی سازی روابط دیپلماتیک را با دیگر کشورها در دهه ۸۰ و ۹۰ پیش برد و در مورد هنگ کنگ طرح اندیشه «یک کشور - دو سیاست» بود.

تنگ شیائوپینگ معتقد بود که ثبات اجتماعی پیش شرط پیش برد رفرفرمهای اقتصادی است. او در سال ۱۹۸۹ به تظاهرات دانشجویان در میدان تیان مین را به وسیله یورش ارتش درهسم شکست و جان‌نشین احتمالی اش زائو زیانگ را کنار گذاشت، زیرا زائو زیانگ معتقد بود که تحرک اقتصادی را باید با سیستم سیاسی مناسب هماهنگ کرد. بوسیله جدایی حزب از مناصب دولتی، با ایجاد دولت حقوقی و عدم تمرکز تدریجی، این تئوری با کنار گذاشتن زائو زیانگ در حزب کمونیست چین شکست خورد.

تنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۸۹ از مقام‌های رسمی کناره گرفت و سیانگ زمین به جان‌نشین او انتخاب شد. سیانگ ز مین اکنون به سمت رهبری حزب، بالاترین مقام دولتی و عالیترین مقام ارتش مسهمترین مسئولیت‌ها را در چین بعهده دارد. به مناسبت مرگ تنگ شیائوپینگ از طرف سران بسیاری از کشورها پیامهای داده شده که در آن به نقش مهم او در رفرفرم‌های اقتصادی و بازگشایی مرزهای چین اشاره شده است.

به مناسبت مرگ تنگ در چین ۶ روز عزای عمومی اعلام شد. در مراسم تشییع جنازه او دولت چین از هیچ شخصیت بین‌المللی دعوت نکرد.

بعد نیز کنترل امنیتی نقاط ورودی و خروجی، کنترل بر آب و تمامی حاکمیت در اختیار اسرائیل قرار داد. روز بعد از امضای قرارداد، روزنامه‌های اسرائیلی از قول نتان یاهو نخست وزیر اسرائیل و شارولسکی وزیر تجارت و صنعت نقل کردند که الخلیل مانند قبیل اسرائیلی می‌ماند و آن را با فاکت و اعداد توضیح آذیند بخشد که این خود استمرار کنترل اسرائیل را به روشنی بیان می‌کند. روز بعد از آن، برخلاف قبل در تفسیرها و مقالات اسرائیلی صحت از کشور اسرائیلی بیان آمده معنای مجموعه‌ای از شهرهای پراکنده فلسطینی بدون حاکمیت مستقل. این سناریوی اسکیزوفرنی باید به فلسطینی‌ها نیز بر بخورد که می‌خواهند باور داشته باشند پیشرفت در روند دیده می‌شود، در حالی که پیشرفت در جهت عکس وجود دارد.

در تلویزیون آمریکا، هنگام پخش صحنه امضا قرارداد بین عرفات و نتان یاهو، نگاههای خشمگین عرفات کاملاً محسوس بود. او همان شب از آمریکا رفت. او احتمالاً مدت‌ها در پی تضمینی اسرائیلی - آمریکایی و تعیین برنامه زمانی برای عقب نشینی ارتش اسرائیل، یا درست تر بگویم جابجایی آن از منطقه B بود. (منطقه B شامل برخی مناطق روستایی فلسطینی است که ۲۳ درصد کرانه غربی را شامل می‌شود و تحت کنترل مشترک ارتش بقیه در صفحه ۱۱

روند تحولات

در حزب چپ دمکراتیک ایتالیا

کنگره چهار روزه حزب چپ دمکراتیک ایتالیا «PDS» از روز پنج‌شنبه بیستم فوریه آغاز شد. این کنگره وظیفه تبیین هویت حزب را بعهده دارد. مسئله اساسی این است که PDS چگونه حزب است و به چه حزبی فرا خواهد روئید. این حزب شش سال پیش با جدا شدن از حزب کمونیست ایتالیا پایه گذاری شد، بقایای حزب کمونیست، حزب احیای کمونیستی را تشکیل دادند که در انتخابات آوریل ۹۶ در صد آرا را بدست آورد.

حزب چپ دمکراتیک با ائتلاف «درخت زیتون» در انتخابات پیروز شد و با ۲۱ درصد آرا و ۱۲۸ نماینده به قوی‌ترین حزب موجود ایتالیا بدل گشت. همچنین ۱۱۰ هیئت نمایندگی در مورد طرح پیشنهادی حزب پیرامون رفرفرم در قانون اساسی و تغییرات در دولت رفاه اجتماعی تصمصم خواهند گرفت. «د الما» رهبر این حزب در برنامه خود که در کنگره به بحث گذاشته خواهد شد، طرفدار تبدیل حزب به حزب دموکراسی و پیشبرد خط مشی اروپای متحد می‌باشد.

برخی از منتقدین حزب PDS معتقدند که جهت رفرفرم‌های پیش‌بینی شده با انتظاراتی که این حزب در جریان انتخابات بین مردم پیرامون تغییرات اساسی در دولت و جامعه برانگیخته همخوانی ندارد.

آلبانی: مزه تلخ کاپیتالیسم

پس از شکست ایتالیا در جنگ دوم جهانی آلبانی توسط ارتش سرخ آزاد گردید و قدرت به دست کمونیستها به رهبری انورخوچه منتقل گشت.

آلبانی در زمان انور خوجه به کشور «هفتصد هزار سنگر بتی» معروف شد. وی طراح سیاست «نه شرقی، نه غربی» و عامل انزوای سیاسی - اقتصادی و عقب‌ماندگی این کشور بود. این کشور اینک شاهد بزرگ‌ترین «کلاهدراری مالی» در تاریخ خود است.

از سال ۱۹۹۱ آلبانی روند ورود به اقتصاد بازار آزاد را آغاز نمود. حزب «دمکراسی» به رهبری «سالی بریشا» برای کسب قدرت سیاسی به همه شهروندان آلبانی یوید «پیشرفت اقتصادی» داد. اما واقعیات اقتصادی آلبانی چیزی آنسوی وعده‌های انتخاباتی است. تولید ناخالص ملی آلبانی در سال ۱۹۹۶ به یک سوم آنچه رسید که در سال ۱۹۸۹ بود. آمار رسمی بیکاران آلبانی ۱۴٪ اعلام شده است که از واقعیت حاکم بر آلبانی بسیار دور است. در شهر پنجاه هزار نفری «لوشنایا» تنها ۳۰۰ نفر در کوره آجرپزی و یک آسیاب کار می‌کنند. در شهرهای دیگر شرایط بدتر از این است. رشد اقتصادی این کشور برابر «صفر» است. از هر هفت نفر شهروند آلبانی یک نفر بر اثر فقر اقتصادی وادار به مهاجرت شده است. گفته می‌شود مافیای ایتالیا از میان مهاجران این کشور «سربازگیری» کرده است.

با آغاز روند اقتصاد بازار آزاد در آلبانی یک‌سری شرکت‌های مالی بوجود آمدند. این شرکت‌های «مخروطی» با وعده بهره‌های ۱۰۰٪ تا ۱۲۰٪ سود سرمایه شهروندان این کشور را به سرمایه گذاری تشویق می‌کردند. با جذب هر سرمایه گذار جدید بهره سرمایه گذارهای پیشین پرداخت می‌شد تا زمانی که دوسوم سرمایه در گردش یعنی بیش از یک میلیارد دلار در اختیار شرکت‌های «Vefa و Kamberi» درآمد و تمامی سرمایه‌های سرگردان جذب این شرکت‌ها شدند. با کمبود سرمایه گذاران جدید، پرداخت بهره به اعضای این شرکت‌ها ناممکن شد. طی مدت دو هفته مدیران این شرکت‌ها که گفته می‌شود پشتیبانی مالی مبارزه انتخاباتی رئیس جمهور را بر عهده داشتند، تمامی سرمایه جمع آوری شده را به خارج منتقل کردند. یک میلیون نفر از اهالی آلبانی عضو این شرکت‌ها هستند که اینک تمامی پس اندازهای خود را از دست داده‌اند.

شهرهای آلبانی هر روز شاهد تظاهرات خشمناک و درگیری مردم با نیروهای انتظامی است. دولت این کشور از یک سو وضعیت فوق‌العاده اعلام نمود و از سوی دیگر قول داده تا ۶۰٪ از زیان مردم را پرداخت نماید. ناظران اقتصادی این قول را بی‌اساس می‌خوانند زیرا دولت آلبانی فاقد توان اقتصادی است. این کلاهدراری مالی برای آلبانی نه تنها عواقب اقتصادی جبران ناپذیری را به همراه خواهد آورد، بلکه دامنه آن سیستم سیاسی این کشور را نیز دربر گرفته است.

پیروزی اپوزیسیون در بلگراد

پس از سه ماه تظاهرات مسالمت‌آمیز نیروهای اپوزیسیون در یوگسلاوی، مجلس این کشور بر پیروزی اپوزیسیون در انتخابات محلی صحنه گذاشت. اتحاد نیروهای اپوزیسیون «سایدنو» که در طول جنگ صربها، کرواتیها و مسلمانان بوسنی در مقابل سیاست‌های میلوسویچ سکوت کرده بود، با پایان این جنگ و تحریم‌های بین‌المللی باردیگر با شعار انتخابات آزاد و آزادی مطبوعات پا به صحنه سیاسی این کشور گذاشت.

ناظران مسائل یوگسلاوی اتحاد «سایدنو» به رهبری «جینچچ» که فردی پراگماتیک و «دراسکوویچ» که دارای تمایلات ناسیونالیستی افراطی است را اتحادی پایدار نمیدانند. علاوه بر این از یک سو قدرت سیاسی مسئولیت‌های محلی که اپوزیسیون آنها را در انتخابات به خود اختصاص داد، بسیار محدود است، از دیگر سو قدرت اجرایی آنها بدلیل بحران اقتصادی یوگسلاوی با مشکلات جدی روبرو خواهد بود. پیروزی اپوزیسیون در یوگسلاوی اما جو سکوت در این کشور را شکست.

یک چهارم جمعیت جهان

در فقر بسر می‌برند

طبق گزارش «وضعیت اجتماعی در جهان» که موسسه توسعه سازمان ملل انتشار داده است از هر چهار نفر در دنیا یک نفر در فقر زندگی می‌کند. روزانه تعداد کسانی که در «فقر مطلق» بسر می‌برند و کمتر از یک دلار در روز درآمد دارند ۶۸۰۰۰ تن افزایش می‌یابد. این گزارش را گوستاو اوشیت رئیس این موسسه داده است. علیرغم رشد اقتصادی در جهان که طبق گزارش سازمان ملل از سال ۹۴ به بعد ۲/۵ درصد بوده است، فقر و بیکاری افزایش می‌یابد. طبق گزارش ۹۷/۹۶ سازمان جهانی کار یک میلیارد نفر در جهان بیکار هستند.